



دکتر حضرت آیه الله العظمی وحید خراسانی
www.vahid-khorasani.ir

به یاد آخرین خلیفه پروردگار

**اقتباس از مقدمه ای در
اصول دین**

**حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی
- مدظلّه العالی -**

به یاد آخرین خلیفه پروردگار
اقتباس از مقدمه ای در
اصول دین

حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی
- مدظلّه العالی -

باسمه تعالی

در این جزوه مختصری از زندگانی و احوال حضرت حجّت بن الحسن العسکری صاحب العصر والزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به مناسبت میلاد مسعود آن حضرت آورده شده است. روایاتی که از مصادر عامه و خاصه نقل شده قریب به مضمون بوده و به ملاحظه اختصار در مواردی قسمتی از روایت ذکر شده است. همچنین در آدرس روایات به ذکر یکی دو مصدر اکتفا شده است.

ناشر

فهرست موضوعات

- ضرورت وجود امام معصوم در هر زمان ۷
- بعضی از آیات تفسیر شده به حضرت مهدی (علیه السلام) ۱۷
- خصوصیات حضرت مهدی (علیه السلام) ۳۲
- اقتداء عیسی بن مریم به حضرت مهدی (علیه السلام) ۳۳
- آرزوی حضرت موسی نسبت به حضرت حجت (علیه السلام) ۳۵
- حضرت مهدی (علیه السلام) خلیفه الله است ۴۱
- مقام اصحاب آن حضرت (علیه السلام) ۴۲
- حضرت مهدی (علیه السلام) مظهر رسول الله (صلی الله علیه وآله) است ۴۵
- ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) از کنار کعبه است ۵۴
- ظهور آن حضرت (علیه السلام) روز عاشورا است ۵۶
- حضرت مهدی (علیه السلام) تمام کننده نور خداست ۵۸
- حضرت مهدی (علیه السلام) کلمه الله تامه است ۶۱
- ولادت با سعادت حضرت مهدی (علیه السلام) ۶۲
- طول عمر حضرت مهدی (علیه السلام) ۶۴
- غیبت حضرت مهدی (علیه السلام) ۶۸
- معجزات حضرت مهدی (علیه السلام) در زمان غیبت ۷۸
- انتظار فرج ۹۴
- فضیلت شیعه در عصر غیبت ۹۶
- دعا در تعجیل فرج آن حضرت ۹۹
- راه بهره مند شدن از آن حضرت در زمان غیبت ۹۹
- سروده ای به یاد آخرین خلیفه پروردگار ۱۱۲
- فهرست کتب ذکر شده ۱۱۶

ضرورت وجود امام معصوم در هر زمان

در بحث امامت به ادله متعدد ثابت می شود که وجود امام معصوم (علیه السلام) در هر عصر و زمانی لازم است، و ما در این مختصر به بعضی از ادله عقلی و نقلی کفایت می کنیم:

دلیل عقلی:

۱ - اگر مخترعی کارخانه ای بسازد که در نهایت پیچیدگی و دقت و ظرافت باشد، که اطلاع بر آنها بجز به راهنمایی خود او میسر نیست، و محصول آن کارخانه باید همیشه و در هر زمان - با حضور و غیاب مخترع - در دسترس انسان قرار گیرد، آیا می توان باور کرد که آن مخترع کسی را که آشنا به اسرار ابزار آن کارخانه، و توانا بر به کار انداختن آنها، و به دست آوردن محصول باشد معین نکند؟! یا انتخاب آن کس را به مردمی واگذارد که از شناخت کارخانه و ظرافتهای آن بیگانه اند؟ هرگز!

آیا دقت و ظرافت معارف و قوانین الهی که در جمیع شئون حیات انسان ابزار کارخانه دین خدا است، و محصولش ارزشمندترین گوهر وجود، یعنی معرفت خداوند متعال و عبادت او، و هدایت بشر به عالی ترین قواعد و حقوق در زندگی مادی، و سعادت برای زندگی معنوی و ابدی است، کمتر از دقت و ظرافت کارخانه آن مخترع است؟

پس نتیجه می گیریم در هر عصر و زمانی باید کسی باشد که راهنمای بشر به هدایت و سعادت او باشد.

۲ - قرآن کتابی است که بیان کننده هر چیزی و برای هدایت و رحمت نازل شده است (و نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً) ^۱، قرآن کتابی است که برای بیرون آوردن تمام افراد بشر از ظلمات فکری و اخلاقی به علم و نور نازل شده است (كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ) ^۲، و قرآن کتابی است که حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) درباره او فرمود: (...وله ظهر وبطن، فظاهره حکم، وباطنه علم، ظاهره أنیق وباطنه عمیق، له نجوم وعلی نجومه نجوم، لا تحصی عجائبه، ولا تبلی غرائبها، فیه مصابیح الهدی...) ^۳. (برای قرآن ظاهری است و باطنی پس ظاهرش حکم و دستور است و باطنش علم و دانش، ظاهرش جلوه و زیباست و باطنش ژرف و عمیق، ستارگانی دارد و ستارگانش هم ستارگانی دارد، شگفتی هایش به شمار درنیاید و عجائبش کهنه نگردد و چراغهای هدایت در آن است).

آیا چنان هدفی از چنین کتابی بدون وجود معلم و مبین آگاه به اسرار آن، و رسته از تمام ظلمات فکری و اخلاقی، یعنی بدون انسان معصوم از خطا و هوی در رفتار و گفتار و پندار ممکن است؟

و این همان ضرورت وجود امام معصومی است که شناختش جز از طریق وحی ممکن نیست.

۱ . سوره نحل : ۸۹ .

۲ . سوره ابراهیم : ۱ .

۳ . کافی ج ۲ ص ۵۹۹ .

دلیل نقلی: عامه و خاصه با سندهای معتبر، و به اسناد متواتر نقل کردند که حضرت رسول(صلی الله علیه وآله) در موارد مختلف فرمود: «من بعد از خود در بین شما دو چیز گرانبایه می گذارم، یکی از آن دو بزرگتر از دیگری است که کتاب خداست و عترت خود اهل بیت خود را، پس نظر کنید چگونه با آنها بعد از من رفتار خواهید کرد همانا آن دو از یکدیگر جدا نمی شوند تا بر من بر حوض وارد شوند.»^۴

از این حدیث شریف استفاده می شود، تا هر زمان که قرآن هست، عترتِ جدا نشدنی از آن هم خواهد بود. و او همان امام معصوم(علیه السلام) است. آیا معقول است خداوند قادر متعال دین خود را به نبود چنین شخصی - امام معصوم - ناقص بگذارد. با توجه به آنچه گذشت نکته کلام رسول خدا(صلی الله علیه وآله) که عامه و خاصه به تعبیرات متفاوت نقل کردند معلوم می شود که فرمود: (مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِثَّةً جَاهِلِيَّةً)^۵ (کسی که بمیرد بدون امام زمان خود به مرگ جاهلیت مرده است) (وَأَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ فِي كُلِّ عَصْرٍ وَ أَوَانٍ، وَ أَنَّهُمُ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى) تا آنجا که فرمود: (وَ مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْهُمْ مَاتَ مِثَّةً جَاهِلِيَّةً)^۶ (و به تحقیق زمین خالی نمی ماند از حجت خداوند تعالی بر خلق او در هر عصری و زمانی، و آنها هستند رشته محکم - تا آن جا که فرمود - و هر کس بمیرد و نشناسد آنان را به مرگ جاهلیت مرده است).

۲ - از روایات مورد اتفاق بین عامه خاصه، به سندهای معتبر، و بلکه به تواتر، از حضرت رسول(صلی الله علیه وآله) نقل شده است که فرمود: «این امر پایان نپذیرد تا این که دوازده خلیفه بیاید، که همه از قریش هستند»^۷.
و از این احادیث به مضامین مختلف نکاتی استفاده می شود که به بعضی اشاره می گردد.

۱ - انحصار خلفاء در دوازده نفر

۲ - استمرار خلافت این دوازده نفر تا روز قیامت

۳ - بستگی عزت اسلام و امت اسلامی به این دوازده نفر

۴ - قوام دین از جهت علمی و عملی به این دوازده نفر.

۵ - بودن همه آنان از قریش

و با توجه به این نکات، معلوم می شود که این خصوصیات تنها در دوازده امام معصوم(علیهم السلام) موجود بوده است، و حتی خود عامه به این مطلب اعتراف نمودند:

قندوزی در ینابیع المودّة می گوید: «این احادیث قابل انطباق بر خلفای بعد از پیغمبر نیست، چون عدد آنها کمتر از دوازده است، و نه قابل حمل بر ملوک بنی امیه، به جهت ظلم و زیادتشان بر دوازده نفر، و نه قابل حمل

۴. المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۰۹، عیون اخبار الرضا(علیه السلام) ج ۱ ص ۶۸.

۵. المعجم الكبير، جلد ۱۹، صفحه ۳۸۸، مسند الشامیین، جلد ۲، صفحه ۴۳۷، مسند امام احمد بن حنبل، جلد ۴، صفحه ۹۶، و کتب دیگر.

۶. عیون اخبار الرضا(علیه السلام)، جلد ۲، صفحه ۱۲۲، و کتب دیگر.

۷. صحیح مسلم ج ۱۲ ص ۲۰۱ و مراجعه شود به: صحیح البخاری: آخر کتاب الاحکام ج ۸ ص ۱۲۷، مسند أحمد ج ۱ ص ۳۹۸ و ص ۴۰۶ و ج ۵ ص ۸۶ و ص ۸۷ و ص ۸۸ و...؛ صحیح ابن حبان ج ۱۵ ص ۱۴ و ص ۴۳؛ الثقات لابن حبان ج ۷ ص ۲۴۱، ومصادر دیگر عامه، کشف الغطاء ج ۱ ص ۷، عیون أخبار الرضا(علیه السلام) ج ۱ ص ۴۹، باب ۶، الخصال ص ۴۶۷ و...، ومصادر دیگر خاصه.

بر ملوک بنی عباس ، به جهت زیادتشان بر دوازده نفر ، و مراعات نکردنشان آیه (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) ، و محملی این احادیث ندارد جز ائمه اثنی عشر از اهل بیت و عترت آن حضرت، زیرا آنان اعلم و اجل و اورع و اتقی و اعلاى اهل زمانشان بودند نسباً ، و افضل آنها حسباً ، و اکرم آنها عندالله ؛ و اهل علم و تحقیق و اهل کشف و توفیق ، آنان را به این منزلت شناختند ^۸ .

نتیجه این که: اعتقاد شیعیان به امام دوازدهم حضرت حجة بن الحسن العسکری صلوات الله علیه مستند به ادله عقلیه و ادله نقلیه ای است که هر منصفی با تامل و دقت می پذیرد.

بعضی از آیات تفسیر شده به

حضرت مهدی (علیه السلام)

در قرآن مجید آیاتی است که در کتب عامه و خاصه به ظهور حکومت آن حضرت تفسیر شده است، و ما به ذکر بعضی از آنها اکتفا می کنیم:

۱ - (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ).^۹ (اوست آن که فرستاد پیغمبر خود را به هدایت و دین حق تا آن را بر هر دینی غالب کند، اگر چه مشرکان کراهت داشته باشند)

محمد گنجی از علمای عامه می گوید: «و اما بقای مهدی پس به تحقیق در کتاب و سنت آمده است، اما کتاب پس به تحقیق سعید بن جبیر در تفسیر آیه مذکور گفته است: «هوالمهدی من عتره فاطمه (علیها السلام)».^{۱۰} (او مهدی از عترت فاطمه (علیها السلام) است)

همچنین قرطبی در تفسیر خود می نویسد: روایت شده که تمام پادشاهان بر سراسر دنیا چهار نفر می باشند، دو مؤمن و دو کافر، مؤمنان سلیمان بن داود و اسکندر، و کافران نمرود و بختنصر می باشند، و از این امت دنیا را پادشاه پنجمی مالک خواهد شد به دلیل آیه شریفه (لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ) و او مهدی است.^{۱۱} و علمای شیعه در کتب خود مثل کافی و کمال الدین و تمام النعمه و غیر این دو نیز قریب به این تفسیر را ذکر نموده اند.^{۱۲}

۲ - (الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ).^{۱۳} (کسانی که ایمان می آورند به غیب و به پامی دارند نماز را واز آنچه به آنان روزی کردیم انفاق می کنند)

فخر رازی از بزرگان علمای عامه می گوید: «بعضی از شیعه گفته اند که مراد به غیب مهدی منتظر است، که خدا در قرآن و خبر، به او وعده داده است، اما قرآن (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ) و اما خبر، قول پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) (لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِيءُ إِسْمَهُ إِسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا) (اگر باقی نماند از دنیا مگر یک روز هر آینه طولانی می کند خدا آن روز را تا بیرون آید مردی از اهل بیت من، که اسم او برابر با اسم من است، و کنیه او کنیه

۹ . سوره توبه، آیه ۳۳ .

۱۰ . البیان فی اخبار صاحب الزمان (علیه السلام)، صفحه ۵۲۸ (در کتاب کفایه الطالب) و مصادر دیگر عامه .

۱۱ . الجامع لأحكام القرآن ج ۱۱ ص ۴۸ .

۱۲ . الکافی ج ۱ ص ۴۳۲، کمال الدین و تمام النعمه ص ۶۷۰، الإعتقادات ص ۹۵، تفسیر العیاشی ج ۲ ص ۸۷ و مصادر دیگر خاصه.

۱۳ . سوره بقره، آیه ۳ .

من است، زمین را پر می کند از عدل و قسط آن چنان که پر شده است از جور و ظلم) پس از آن اشکال می کند که تخصیص مطلق بدون دلیل باطل است».^{۱۴}

فخر رازی - با تسلیم در مقابل دلالت قرآن و خبر پیغمبر نسبت به مهدی موعود و اعتراف به این که غیب شامل آن حضرت است - پنداشته که شیعه قائل به اختصاص غیب به آن حضرت است، و غفلت نموده که شیعه یکی از مصادیق غیب را آن حضرت می داند.

۳ - (وَ إِنَّهُ لَعَلَّمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَ اتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ).^{۱۵} (و همانا آن علمی است به ساعت

پس شک نورزید بدان و مرا پیروی کنید این است راهی راست)

ابن حجر از علمای عامه می گوید: «مقاتل بن سلیمان و پیروان او از مفسرین گفته اند که این آیه در مهدی

نازل شده است».^{۱۶}

۴ - (وَ عَدَّ اللّٰهُ الَّذِيْنَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْاَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِيْنَ مِنْ

قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اٰمَنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذٰلِكَ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْفٰسِقُونَ).^{۱۷} (وعده داد خدا آنان را که ایمان آوردند از شما و کارهای

شایسته به جا آوردند که هرآینه خلیفه قرار دهد البته آنان را در زمین، چنانکه خلیفه قرار داد آنان را که پیش از ایشان بودند، و هر آینه با قوت و تمکن گرداند البته برای ایشان دینشان را که پسندید برای ایشان، و هر آینه تبدیل کند البته خوف آنان را به امن، تا مرا عبادت کنند و چیزی را شریک من قرار ندهند، و هر کس پس از آن کفر ورزد پس آنها خارج از فرمانند)

در کتاب الغیبه و تفسیر قمی و تفسیر التبیان، و مجمع البیان و مصادر دیگر این آیه به آن حضرت و حکومتش

تفسیر شده است.^{۱۸}

۵ - (اِنْ نَّشَأْ نُنَزَّلْ عَلَيْهِمْ مِّنَ السَّمَآءِ ءَايَةً فَظَلَّتْ اَعْنَاقُهُمْ لَهَا خٰضِعِيْنَ).^{۱۹} (اگر بخواهیم نازل کنیم بر

ایشان آیتی از آسمان پس بگردد گردنهایشان برای آن خاضع)، در کتاب ینابیع الموده و تفسیر النسفی از کتب عامه، (ءَايَةً) در این آیه کریمه به ندای آسمانی هنگام ظهور آن حضرت (علیه السلام) - که تمام اهل زمین آن را می شنوند - تفسیر شده است، و آن ندا این است (اَلَا اِنَّ حُجَّةَ اللّٰهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللّٰهِ فَاتَّبِعُوهُ فَاِنَّ الْحَقَّ

۱۴ . التفسیر الکبیر، فخر رازی، جلد ۲، صفحه ۲۸ .

۱۵ . سوره زخرف، آیه ۶۱ .

۱۶ . الصواعق المحرقة، صفحه ۱۶۲، ومصادر دیگر عامه، العمدة ص ۴۳۰ و ۴۳۵، بحار الأنوار ج ۶ ص ۳۰۱ و ج ۵۱ ص ۹۸ ومصادر دیگر خاصة.

۱۷ . سوره نور، آیه ۵۵ .

۱۸ . الغیبه شیخ طوسی (رحمه الله) صفحه ۱۷۷، تفسیر قمی ج ۱ ص ۱۴، التبیان ج ۷ ص ۴۵۸، مجمع البیان ج ۷ ص ۲۶۷ ومصادر دیگر.

۱۹ . سوره شعراء، آیه ۴ .

مَعَهُ وَ فِيهِ).^{۲۰} (آگاه باشید، هر آینه حجت خدا ظاهر شد نزد خانه خدا، پس پیروی کنید او را که حق با او و در اوست).

۶ - (وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ).^{۲۱} (و اراده داریم که منت بگذاریم بر کسانی که در زمین ضعیف شمرده شدند، و آنان را پیشوایان قرار دهیم، و آنان را وارثین قرار دهیم)

امیرالمؤمنین(علیه السلام) فرمود: دنیا پس از رو گردانیها و چموشیهای خود به ما رو می آورد، مانند مهربانی ماده شتر ناسازگار بر فرزند خود، و بعد از آن این آیه را تلاوت کرد.^{۲۲}

۷ - در سوره بقره می فرماید: (وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ)^{۲۳}، در تفسیر جامع البیان از اسباط از سدی نقل می کند که (لهم فی الدنيا خزی) مراد از خزی در دنیا این است که چون حضرت مهدی(علیه السلام) قیام نماید و قسطنطنیه فتح شود، آنان را خواهد کشت.^{۲۴}

در تفسیر در المنثور^{۲۵}، و قرطبی^{۲۶} نیز از قتاده از سدی نقل می کند که : خزی و خواری در دنیا برای آنان به قیام مهدی، و فتح عمّوریه و رومیه و قسطنطنیه و غیر آنها از شهرها محقق می شود.

۸ - (وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ).^{۲۷} (و هر آینه به تحقیق نوشتیم در زبور بعد از ذکر که وارث زمین می شوند بندگان صالح من) .

این آیه نیز، در کتب عامه و خاصه،^{۲۸} به آن حضرت و اصحاب ایشان، تفسیر شده است و مضمون این آیه که حکومت صالحان در زمین است در زبور داوود هم موجود است:

کتاب مزامیر - زبور داوود - مزبور سی و هفتم از آیه ۲۹: «و اما نسل شریر منقطع خواهد شد، صالحان وارث زمین خواهند بود، و در آن تا به ابد سکونت خواهند نمود، دهان صالح حکمت را بیان می کند، و زبان او انصاف را ذکر می نماید، شریعت خدای وی در دل اوست، پس قدمهایش نخواهد لغزید».

۲۰ . ینابیع المودة، صفحه ۴۴۸، و در تفسیر النسفی ج ۲ ص ۱۱۸۴ دولت آن حضرت(علیه السلام) بیان شده است.

۲۱ . سوره قصص، آیه ۵ .

۲۲ . نهج البلاغه، شماره ۲۰۹ از حکم امیرالمؤمنین(علیه السلام)، و همچنین مراجعه شود به : ینابیع المودة ج ۳ ص ۲۷۲.

۲۳ . سورة البقرة: ۱۱۴ .

۲۴ . جامع البیان در تفسیر آیه شریفه ج ۱ ص ۳۹۹ .

۲۵ . الدر المنثور ج ۱ ص ۲۶۴ .

۲۶ . الجامع لأحكام القرآن ج ۲ ص ۷۹ .

۲۷ . سوره انبیا، آیه ۱۰۵ .

۲۸ . تفسیر القمّی ج ۲ ص ۷۷ ذیل آیه ۱۰۵ سوره انبیا ، روضة الواعظین ص ۲۶۱، شرح الأخبار ج ۳ ص ۳۶۵، ینابیع المودة ج ۳ ص ۲۴۳ و مصادر دیگر از خاصه و عامه .

کتاب مزامیر مزمور هفتاد و دوم از آیه ۱: «ای خدا انصاف خود را به پادشاه ده، و عدالت خویش را به پسر پادشاه، و او قوم تو را به عدالت داوری خواهد نمود، و مساکین تو را به انصاف، آنگاه کوهها برای قوم سلامتی را بار خواهند آورد، وتلها نیز در عدالت مساکین قوم را دادرسی خواهد کرد و فرزندان فقیر را نجات خواهد داد، و ظالمان را زبون خواهد ساخت، از تو خواهند ترسید مادامی که آفتاب باقی است و مادامی که ماه هست تا جمیع طبقات، او مثل باران بر علف زار چیده شده فرود خواهد آمد، و مثل بارشهایی که زمین را سیراب می کند، در زمان او صالحان خواهند شکفت و وفور سلامتی خواهد بود مادامی که ماه نیست نگردد، و او حکمرانی خواهد کرد از دریا تا دریا، و از نهر تا اقصای جهان، به حضور وی صحرائشینان گردن خواهند نهاد، و دشمنان او خاک را خواهند لیسید».

✽

خصوصیات حضرت مهدی (علیه السلام)

علماء عامه و خاصه - همچون ابوالحسین اهری، ابن ابی الحدید، زینی دحلان - و دیگران، به بسیاری و تواتر احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اعتراف نمودند. که ذکر تمام آنها در این مختصر نمی گنجد، وما به بعضی از آن احادیث که متضمن پاره ای از خصوصیات و مزایای آن حضرت است اشاره می نمائیم.

اقتداء عیسی بن مریم به

حضرت مهدی (علیه السلام)

در نماز جماعت تقدّم با افضل است، چنان که در روایات عامّه و خاصّه آمده (إِمَامُ الْقَوْمِ وَافِدُهُمْ فَقَدَّمُوا أَفْضَلَكُمْ)^{۲۹} (امام قوم کسی است که از همه جلوتر بر خداوند متعال وارد می شود، پس مقدّم بدارید افضل خودتان را) و هنگام ظهور آن حضرت و قیام حکومت حقّه او، عیسی بن مریم از آسمان به زمین می آید، و بر طبق روایات عامّه و خاصّه به آن حضرت اقتدا می کند.^{۳۰}

۲۹ . بغیة الباحث عن زوائد مسند الحارث، جلد ۱، صفحه ۲۶۵، رقم ۱۴۴، وسائل الشیعة، کتاب الصلاة - ابواب صلاة الجماعة، باب ۲۶، جلد ۸، صفحه ۳۴۷ و مصادر دیگر از عامه و خاصه.

۳۰ . صحیح بخاری، جلد ۴، صفحه ۱۴۳، صحیح مسلم، جلد ۱، صفحه ۹۴، مسند احمد ج ۲ ص ۲۷۲، و مصادر دیگر عامّه . الغیبة نعمانی ص ۷۵ الباب الرابع ج ۹، عیون اخبار الرضا(علیه السلام) ج ۲ ص ۲۰۲ باب ۴۶ ح ۱، و مصادر دیگر خاصّه .

آری او کسی است که از کلمه الله، و روح الله، و زنده کننده مردگان به اذن الله، و رسول صاحب عزم خدا، افضل و وجاهتش نزد خدا، و قربش به ساحت او بیشتر است؛ و هنگام نماز که هنگام عروج الی الله است، عیسی بن مریم، او را امام خود قرار می دهد، و به زبان او با خدا سخن می گوید.

آرزوی موسی بن عمران نسبت به

حضرت حجت (علیه السلام)

در عقد الدرر باب اول از سالم اشل روایت می کند که گفت «شنیدم از ابی جعفر محمد بن علی الباقر (علیهما السلام)، که می گوید: موسی (علیه السلام) نظر کرد در نظر اول به آنچه به قائم آل محمد (صلی الله علیه وآله) عطا می شود، پس موسی گفت: پروردگارا مرا قائم آل محمد قرار بده، به او گفته شد: که او از ذریه احمد است، در نظر دوم هم مثل همان را یافت، و همچنان درخواست کرد، و همان جواب را شنید، در نظر سوم هم مانند آن را دید و همچنان گفت، و همان جواب را شنید».^{۳۱}

با آن که موسی بن عمران پیغمبر صاحب عزم خداست، و کلیم الله است (وَ كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا)^{۳۲} (و خداوند با موسی سخن گفت سخن گفتنی) و خداوند او را با نه آیه مبعوث کرد (وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ)^{۳۳} (و هر آینه به تحقیق به موسی نه آیه آشکار دادیم) و مقرب درگاه باری تعالی است (وَ تَدْنِيْنَهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَ قَرْنُهُ نَجِيًّا)^{۳۴} (و ندا دادیم او را از جانب طور ایمن و مقرب کردیم او را در حالی که راز می گفت)، آیا چه مقام و منزلتی برای حضرت حجت دید که آرزوی آن را داشت، و سه مرتبه درخواست کرد.

آرزوی موسی بن عمران مقام آن حضرت را واقعیتی است که نیاز به حدیث و روایتی ندارد، زیرا تنها امامت آن حضرت برای پیغمبر صاحب عزمی مانند عیسی در نماز، برای آرزوی این مقام کفایت می کند.

گذشته از این نتیجه خلقت عالم و آدم و ثمره بعثت تمام انبیا از آدم تا به خاتم در چهار امر خلاصه می شود:
الف: اشراق و پرتوافکنی نور معرفت و عبادت خدا بر عرصه گیتی که ظهور (وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا)^{۳۵}
(و درخشید زمین به نور پروردگارش) است.

ب: احیا و زنده کردن زمین به حیات علم و ایمان که بیان (اِغْلُمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا)^{۳۶}
(بدانید هر آینه خدا زنده می کند زمین را بعد از مرگش) است.

۳۱ . عقد الدرر، باب اول، صفحه ۲۶.

۳۲ . سوره نساء، آیه ۱۶۴

۳۳ . سوره اسراء، آیه ۱۰۱ .

۳۴ . سوره مریم، آیه ۵۲ .

۳۵ . سوره زمر، آیه ۶۹ .

۳۶ . سوره حدید، آیه ۱۷ .

ج: حکومت حق و زوال باطل که تجلی (وَ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا)^{۳۷} (و بگو حق آمد و نابود شد باطل، همانا باطل نابود شدنی بود) است.

د: عمل نمودن و بپا داشتن همه مردم به قسط و عدل و داد، که مقصود نهائی از فرستادن همه پیغمبران، و نازل کردن تمام کتب آسمانی است (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ)^{۳۸} (هر آینه به تحقیق فرستادیم فرستادگانمان را به بیّنات و نازل کردیم با ایشان کتاب و میزان را تا قیام کنند مردم به قسط).

و ظهور تمام این آثار به دست قائم آل محمد(صلی الله علیه وآله وسلم) است (يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا)^{۳۹} (خداوند پر می کند زمین را به او از قسط و عدل همان طور که پر شده است از ظلم و جور) و این مقامی است که آرزوی تمام انبیا از آدم تا به عیسی است.

حضرت مهدی (علیه السلام) خلیفه الله است

عنوان آن حضرت در روایات عامّه و خاصّه خلیفه الله است (يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ وَعَلَى رَأْسِهِ غَمَامَةٌ فِيهَا مُنَادٍ يُنَادِي هَذَا الْمَهْدِيُّ خَلِيفَةُ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ)^{۴۰} (خروج می کند مهدی در حالی که بر سر او قطعه ابری است که در آن ندا کننده ای است که ندا می کند: این مهدی خلیفه خداست پس او را تبعیت کنید) و چون «الله» اسم ذات مستجمع جمیع صفات و اسمای حسنای پروردگار است، اضافه خلیفه به الله دلالت دارد که آن حضرت آیه و نشانه جمیع اسمای حسنای الهی است.

مقام اصحاب آن حضرت (علیه السلام)

علو مقام آن حضرت از مقام اصحاب آن حضرت روشن می شود، که نمونه ای از آن در روایات خاصّه این است: عدد آنان عدد اهل بدر است^{۴۱}، و با آنان شمشیرهاست، بر هر شمشیری کلمه ای نوشته شده که مفتاح و کلید هزار کلمه است.^{۴۲}

۳۷ . سوره اسراء، آیه ۸۱ .

۳۸ . سوره حدید، آیه ۲۵ .

۳۹ . کمال الدین و تمام النعمه ص ۳۳ و ۲۵۷ و ... و مصادر دیگر بسیاری از خاصّه، و قریب به این مضمون در البیان گنجی ص ۵۰۵، صحیح ابن حبان ج ۱۵ ص ۲۳۷، مسند أحمد ج ۳ ص ۲۸ و ۲۷ و ۳۶ و ۳۷ و ۵۲ و ۷۰، سنن أبی داود ج ۲ ص ۳۰۹ و ۳۱۰، المستدرک علی الصحیحین ج ۴ ص ۵۱۴ و در التلخیص همچنین و ص ۴۶۵ و ۵۵۷ و در تلخیص همچنین و ص ۵۵۸ و مصادر دیگر بسیاری از عامّه .

۴۰ . کشف الغمّه ج ۲ ص ۴۷۰، کفایه الأثر ص ۱۵۱، کتاب الغیبه نعمانی ص ۱۰ و مصادر دیگر خاصّه . المستدرک علی الصحیحین ج ۴ ص ۴۶۴ و ص ۵۰۲، مسند أحمد ج ۵ ص ۲۷۷، و مصادر دیگر عامه .

۴۱ . کفایه الاثر ص ۲۷۸ باب ما جاء من النص عن الجواد، بحار الانوار، جلد ۵۱، صفحه ۱۵۷.

۴۲ . الغیبه نعمانی ص ۳۱۴ باب ۲۰ ح ۷، کمال الدین و تمام النعمه ص ۲۶۸، کفایه الاثر ص ۲۸۲، بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۲۸۶.

و در روایات عامه روایت صحیحی ای است به شرط بخاری و مسلم که حاکم نیشابوری در مستدرک و ذهبی در تلخیص نقل کرده و قسمتی از آن این است که: (لَا يَسْتَوْحِشُونَ إِلَى أَحَدٍ وَلَا يَفْرَحُونَ بِأَحَدٍ يَدْخُلُ فِيهِمْ عَلَى عِدَّةِ أَصْحَابِ بَدْرٍ لَمْ يَسْبِقْهُمْ الْأَوَّلُونَ وَلَا يُدْرِكُهُمُ الْآخِرُونَ وَ عَلَى عِدَّةِ أَصْحَابِ طَالُوتَ الَّذِينَ جَاوَزُوا مَعَهُ النَّهْرَ).^{۴۳} (نمی ترسند تا از دیگری مدد بگیرند، و نه خشنود می شوند به احدی که در جماعت آنان داخل شود، شماره آنان شماره اصحاب بدر است، نه بر آنان سبقت گرفتند اولین و نه به آنان می رسند آخرین، و بر شماره اصحاب طالوتند که با او از نهر گذشتند)

آیا اگر آنان که در رکاب او و تابع اویند دارای مقام قرب خاص به سابقین باشند (وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ)^{۴۴}، و در پیشی گرفتن به کمالات، آخرون به گرد آنان نرسند، پس مقام مولا و آقای آنان که باب الله، و دیان دین الله، و خلیفه الله، و ناصر حق الله، و حجة الله، و دلیل ارادة الله است، چه خواهد بود؟!

حضرت مهدی(علیه السلام) مظهر رسول الله(صلی الله علیه وآله) است

همچنان که حضرت رسول(صلی الله علیه وآله) خاتم پیغمبران است و به او نبوت پایان پذیرفته است، حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف خاتم اوصیاء است و به او وصایت و امامت پایان می پذیرد.

و همچنان که آغاز دین به رسول اکرم(صلی الله علیه وآله) است، ختم آن به مهدی موعود است.

و در روایات عامه و خاصه به این نکته توجه شده، از رسول گرامی نقل شده است: (الْمَهْدِيُّ مِنَّا يُخْتَمُ الدِّينُ بِنَا كَمَا فُتِحَ بِنَا)^{۴۵} (مهدی از ما است، و دین به ما ختم می شود، آن چنان که به ما افتتاح شد) - و بدین جهت در آن حضرت خصوصیات جسمی و روحی و اسمی خاتم ظهور کرده است.

افتتاح و آغاز دین، و اختتام و پایان آن به دو شخص هم نام - محمد - و هم کنیه - ابوالقاسم - و هم شکل و شمایل، و هم سیرت و اخلاق برای اهل نظر حکایت از مقام و منزلتی می کند که فوق ادراک و بیان است.

و در این مختصر به بعضی از روایاتی که دلالت بر این مطلب دارد اشاره می نمائیم:

الف: از رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) روایت شده که فرمود: «بیرون می آید مردی از امت من که اسم او برابر با اسم من و خلق او خلق من است، پس زمین را پر از عدل و قسط می کند، همچنان که از ظلم و جور پر شده باشد».^{۴۶}

۴۳ . المستدرک علی الصحیحین، جلد ۴، صفحه ۵۵۴.

۴۴ . سورة الواقعة: ۱۰ - ۱۱.

۴۵ . الصواعق المحرقة، صفحه ۱۶۳، و قریب به این مضمون در المعجم الأوسط ج ۱ ص ۱۳۶، مجمع الزوائد ج ۷ ص ۳۱۷، تاریخ مدینه دمشق ج ۳۶ ص ۲۸۲، و مصادر دیگر عامه، کشف الغمّة ج ۲ ص ۴۷۳ کمال الدین و تمام النعمه ص ۲۳۱، و مصادر دیگر خاصه.

۴۶ . صحیح ابن حبان ج ۱۵ ص ۲۳۸، و قریب به مضمون در سنن أبی داود ج ۲ ص ۳۰۹، المستدرک علی الصحیحین ج ۴ ص ۴۴۲ و در التلخیص همچنین و ۴۶۴، و مصادر دیگر بسیاری از عامه، روضة الواعظین ص ۲۶۱، شرح الأخبار ج ۳ ص ۳۸۶ و ۵۶۶، و مصادر دیگر از خاصه.

ب: در روایت صحیحی از حضرت امام جعفر صادق (علیهما السلام) از پدرانش از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) آمده است که فرمود: «مهدی از فرزندان من است، اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است، و شبیه ترین مردم به من است در خلق و خُلق، برای او غیبت و حیرتی است که خلق از دینشان گمراه شوند، پس در آن هنگام مانند شهاب ثاقب رو می آورد، پس زمین را پر از قسط و عدل می کند، همچنان که پر شده است از ظلم و جور».^{۴۷}

ج: در حدیث صحیح از امام ششم جعفر بن محمد (علیهما السلام) از آباء بزرگوارش از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) آمده است، که فرمود: «کسی که انکار کند قائم از فرزندان مرا، پس به تحقیق مرا انکار کرده است».^{۴۸}

د: شیخ صدوق اعلی الله مقامه به دو واسطه از احمد بن اسحاق اشعری که از بزرگان ثقات است نقل می کند، که گفت: «داخل شدم بر حسن بن علی (علیهما السلام)، و اراده داشتم که از او سؤال کنم از جانشین بعد از خودش. ابتداءً آن حضرت فرمود: یا احمد بن اسحاق خداوند تبارک و تعالی از زمانی که آدم را آفرید زمین را از حجتی برای خدا بر خلق خودش خالی نگذاشته و خالی نخواهد گذاشت تا قیامت، به او بلا را از اهل زمین دفع می کند، و به او باران را نازل می کند، و به او برکات زمین را بیرون می آورد.

گفت: پس گفتم: یابن رسول الله، بعد از تو امام و خلیفه کیست؟

پس آن حضرت برخاست شتابان داخل خانه شد، بعد بیرون آمد، و بر شانه آن حضرت پسری سه ساله بود که گویا صورت او ماه شب بدر بود، پس فرمود: یا احمد بن اسحاق اگر بزرگواری تو بر خدای عزّ و جلّ و بر حجج او نبود، پسر من را به تو نشان نمی دادم، این پسر همانم و هم کنیه پیغمبر خداست، کسی است که زمین را پر از قسط و عدل می کند، همچنان که از جور و ظلم پر شده است. یا احمد بن اسحاق مثل او در این امت مثل خضر و مثل ذی القرنین است، و الله هر آینه غیبتی خواهد کرد که از هلاکت نجات پیدا نمی کند مگر کسی که خدا او را بر قول به امامت این پسر ثابت کرده، و به او توفیق دعای به تعجیل فرج او را داده است.

پس احمد بن اسحاق گفت: گفتم: ای مولای من، آیا علامتی هست که قلب من به آن مطمئن شود؟

آن پسر به عربی فصیح فرمود: (أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ) - من بقیة الله هستم در زمین

خدا و انتقام گیرنده ام از دشمنان خدا - ای احمد بن اسحاق بعد از دیدن، طلب اثر مکن.

پس احمد بن اسحاق گفت: بیرون آمدم مسرور و شادمان، فردای آن روز برگشتم نزد آن حضرت گفتم: یا بن رسول الله، خوشودی من به منّتی که بر من نهاده بزرگ شد، پس چیست سنتی که در این پسر از خضر و ذی القرنین جریان دارد؟

فرمود: طولانی شدن غیبت، یا احمد.

گفتم: یا بن رسول الله هر آینه غیبت این پسر طولانی می شود؟

۴۷. کمال الدین و تمام النعمه، باب ۲۵، رقم ۴، صفحه ۲۸۷.

۴۸. کمال الدین و تمام النعمه، باب ۳۹، رقم ۸، صفحه ۴۱۲.

فرمود: بلی به پروردگارم قسم، تا زمانی که بیشتر قائلین به این امر، از این امر برگردند، و باقی نماند مگر کسی که خداوند عزّ و جلّ از او عهد گرفته برای ولایت ما، و ایمان را در دل او نوشته، و او را به روحی از خودش مؤید کرده است، یا احمد بن اسحاق، این امری است از امر خدا، و سرّی است از سرّ خدا، و غیبی است از غیب خدا، پس بگیر آنچه دادم به تو و آن را کتمان کن و از شاکرین باش که فردا در علّین با ما خواهی بود».^{۴۹}

ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) از کنار کعبه است

ظهور آن حضرت به روایتی که عامّه و خاصّه نقل کرده اند از کنار خانه خداست، و جبرائیل در طرف راست او، و میکائیل در طرف چپ اوست، و چون ملک که واسطه افاضه علوم و معارف الهیه، که حوایج معنوی انسان است، جبرائیل است، و ملک که واسطه افاضه ارزاق و حوایج مادی آدمی است، میکائیل است، کلید خزینه علوم و ارزاق در اختیار آن حضرت است^{۵۰}، و با صورتی ظهور می کند که در روایات عامّه و خاصّه، آن رخساره به کوكب درّی^{۵۱} تشبیه شده است، و (لَهُ هَيْبَةُ مُوسَى وَ بَهَاءُ عِيسَى وَ حُكْمُ دَاوُودَ وَ صَبْرُ أَيُّوبَ) (و برای آن بزرگوار است هیبت موسی، و بهاء عیسی، و حکم داود، و صبر ایوب)^{۵۲} و با پوششی که به تعبیر امام هشتم (علیه السلام) (عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّورِ تَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ ضِيَاءِ الْقُدْسِ).^{۵۳} (بر اوست جامه های نور که روشن می شود به ضیای قدس)

ظهور آن حضرت (علیه السلام) روز عاشورا است

ظهور آن حضرت - به روایتی که خاصه - شیخ طوسی در الغیبه - و عامه - صاحب عقد الدرر - ذکر کرده اند، روز عاشورا است^{۵۴}، تا تفسیر (يُرِيدُونَ لِيُطْفَئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ)^{۵۵} (اراده می کنند که خاموش کنند نور خدا را به دهانهایشان، و خداوند تمام کننده نور خود است، اگر چه کراهت داشته

۵۹. کمال الدین و تمام النعمه، صفحه ۳۸۴ و ینابیع الموده، صفحه ۴۵۸.

۵۰. عقد الدرر الباب الخامس و فصل اول الباب الرابع، صفحه ۶۵، الأمالی مفید ص ۴۵، روضة الواعظین ص ۲۶۴، الغیبه نعمانی ص ۳۰۷، الإرشاد ج ۲ ص ۳۸۰ و مصادر دیگر.

۵۱. الجامع الصغیر ج ۲ ص ۶۷۲ و مصادر دیگر عامّه، الغیبه نعمانی: ص ۹۴، دلائل الإمامة: ص ۴۴۱، و در بعض احادیث کالقمر الدرّی است (مثل ماه فروزان)، العمدة ص ۴۳۹، الطرائف ص ۱۷۸ و مصادر دیگر خاصّه.

۵۲. بحار الأنوار ج ۳۶ ص ۳۰۳ و با تفاوت اندکی در الکافی ج ۱ ص ۵۲۸، فی عیون أخبار الرضا (علیه السلام) ج ۱ ص ۴۴ باب ۶ ح ۲، و مصادر دیگر.

۵۳. بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۱۵۲، الإمامة والتبصرة ابن بابویه القمی: ص ۱۱۴، عیون أخبار الرضا (علیه السلام) ج ۲ ص ۶ باب ۳۰ و مصادر دیگر.

۵۴. الغیبه طوسی ص ۴۵۲، و عقد الدرر للسلمی ص ۶۵ الباب الرابع الفصل الأول.

۵۵. سوره صف، آیه ۸.

باشند کافران) ظاهر شود، و شجره طیبه اسلام که به آن خون پاک آبیاری شده، به دست آن حضرت به ثمر رسد، و آیه کریمه (وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا)^{۵۶} (کسی که مظلوم کشته شد پس به تحقیق برای ولی او سلطنت قرار دادیم) بر مصداق اعلاى خود تطبیق شود.

حضرت مهدی (علیه السلام) تمام کننده نور خداست

یکی از صفات حضرت این است که او مُتِمُّ نورا لله است .

واهمیت این صفت برای حضرت با توجه به آیات شریفه ذیل روشن می شود :

(يُرِيدُونَ لِيطْفِئُوا نَورَ اللّٰهِ بِاَفْوٰهِهِمْ وَ اللّٰهُ مُتِمُّ نُورِهِ ي وَ لَوْ كَرِهَ الْكٰفِرُونَ * هُوَ الَّذِي اَرْسَلَ رَسُوْلَهُ بِالْهُدٰى وَ دِيْنِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلٰى الدِّيْنِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)^{۵۷} ، (يُرِيدُونَ اَنْ يَطْفِئُوا نَورَ اللّٰهِ بِاَفْوٰهِهِمْ وَيَاْبٰى اللّٰهُ اِلَّا اَنْ يَتِمَّ نُورُهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكٰفِرُونَ * هُوَ الَّذِي اَرْسَلَ رَسُوْلَهُ بِالْهُدٰى وَ دِيْنِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلٰى الدِّيْنِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)^{۵۸}.

خداوند متعال در این آیات به پیغمبر خود خبر داد ، که بعد از او امت متفرق شده ، و بیگانگان اراده می کنند که نور خداوند و دین اسلام را محو نمایند، و حضرت (صلی الله علیه وآله وسلم) به علی (علیه السلام) خبر داد: (إن الأمة ستعذر بك بعدى و أنت تعيش على ملتي و تقتل على سنتي ، من أحببك أحببني ، و من أبغضك أبغضني ، و ان هذه ستخضب من هذا يعني لحيته من رأسه)^{۵۹}

ولی خداوند متعال بعد از دوران ظلمت و تاریکی (وَ اللَّيْلُ اِذَا يَغْشٰى)^{۶۰} نور و روشنائی اسلام و ایمان را غالب خواهد نمود (وَ النَّهَارُ اِذَا تَجَلٰى)^{۶۱}

آری اکمال دین رسول خدا(صلی الله علیه وآله) به امامت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است، و به این اکمال ، آن هدف نهائی که اتمام نورالله ، و غلبه نورالهی بر همه ظلمات و شرک است، محقق نمی شود، مگر به دست حضرت حجت(علیه السلام) که تمام کننده نور خداوند است .

حضرت مهدی (علیه السلام) کلمه الله تامه است

۵۶ . سوره اسراء، آیه ۳۳ .

۵۷ . سوره صف ، آیه ۸ - ۹ .

۵۸ . سوره توبه ، آیه ۳۲ - ۳۳ .

۵۹ . المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۴۲ ، و قسمت اول حدیث را در التاریخ الکبیر بخاری ج ۲ ص ۱۷۴ ، و بغیة الباحث ص ۲۹۶ تاریخ مدینه و دمشق ج ۴۲ ص ۴۴۷ و مصادر دیگر عامه نقل کرده اند ، خصال صدوق ص ۴۶۲ ، مناقب امیرالمؤمنین (علیه السلام) ج ۲ ص ۵۳۲ ، شرح الاخبار ج ۱ ص ۱۵۲ و مصادر دیگر خاصه .

۶۰ . سوره لیل ، آیه ۱ .

۶۱ . سوره لیل ، آیه ۲ .

در زیارت آل یس می خوانیم (وَكَلِمَتِكَ التَّامَّةُ فِي أَرْضِكَ) ، اگر عیسی بن مریم پیغمبر اولوالعزم خداوند متعال است (إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ)^{۶۲} ، او کلمه الله التامه (کلمه تامه خداوند) است .

و از آنجا که فرمود : (وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ)^{۶۳} معلوم می شود : تمام کلمه الهی ، به رسیدن به منتهای صدق است که نهایت حکمت نظری است، و به رسیدن به منتهای عدل است که نهایت حکمت عملی است .

آری اوست که به منتهی درجه صدق و عدل رسیده ، و کلمه تامه خدا گشته است .

※

ولادت با سعادت حضرت مهدی (علیه السلام)

ولادت آن حضرت در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری بوده است.

پدر بزرگوار آن حضرت، حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) و مادر گرامی آن حضرت، حضرت نرجس است، که نَسَب آن مخدّره به شمعون، وصی حضرت عیسی (علیه السلام) می رسد.

اسم شریف آن حضرت اسم حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) (م،ح،م،د) می باشد، که البته در روایات از نام بردن حضرت به این اسم نهی شده است، کنیه آن حضرت، کنیه رسول خدا (صلی الله علیه وآله) ابوالقاسم است، و بعضی از القاب آن حضرت عبارت است از: مهدی، قائم، منتظر، حجت، منصور، الخلف الصالح، صاحب العصر، صاحب الزمان، وصی الأوصیاء، بقیة الانبیاء، الحجّة من آل محمد (صلی الله علیه وآله)

طول عمر حضرت مهدی (علیه السلام)

آنچه ممکن است موجب شبهه در ذهن ساده اندیشان شود طول عمر آن حضرت است، ولی باید دانست که طول عمر یک انسان - حتی تا چندین هزار سال - نه محال عقلی است و نه محال عادی، زیرا محال عقلی آن است که به اجتماع یا ارتفاع دو نقیض منتهی شود، مثل آن که می گوئیم: هر چیزی یا هست یا نیست، یا هر عددی یا زوج است یا فرد، که اجتماع و ارتفاع هر دو عقلا محال است، و محال عادی آن است که به نظر عقل ممکن است ولی مخالف قوانین طبیعت است، مانند آن که انسانی در آتش بیفتد و نسوزد.

و طول عمر انسان در قرنهای و بقای سلولهای بدن به حال نشاط جوانی، نه از قسم اول است، و نه از قسم دوم، بنابراین اگر حیات انسانی مانند نوح (علی نبینا وآله و علیه السلام) نهصد و پنجاه سال یا بیشتر واقع شد، زیاده بر آن هم ممکن است، به این جهت دانشمندان در جستجوی یافتن راز بقای حیات و نشاط جوانی بوده و هستند، و

۶۲ . سوره آل عمران ، آیه ۴۵ .

۶۳ . سوره انعام ، آیه ۱۱۵ .

همچنان که با قواعد علمی به وسیله اختلاف ترکیب اتمهای فلزات می توان آنها را در مقابل آفت مرگ و زوال بیمه کرد، و آهنی که زنگار می گیرد و تیزاب آن را می خورد به طلای نابی آفت ناپذیر تبدیل کرد، می توان بافتهای بدن انسان را از زوال و آفت نگهداری کرد.

بنابراین طول عمر یک انسان از نظر عقلی و علمی ممکن است، هر چند راز آن برای بشر کشف نشده باشد. گذشته از این که اعتقاد به امام زمان (علیه السلام) در مرتبه بعد از اعتقاد به قدرت مطلقه و بی حد خداوند متعال، و اعتقاد به نبوت انبیا و تحقق معجزات است، به این جهت قدرتی که آتش را بر ابراهیم سرد و سلامت می کند، و سحر ساحران را در کام عصای موسی نابود می نماید، و مرده را به دم عیسی زنده می کند، و اصحاب کهف را قرن‌ها در خواب بدون مدد غذا نگه می دارد، برای او نگه داشتن انسانی هزاران سال با نشاط جوانی به جهت حکمت بقای حجت در زمین و نفوذ مشیت به غلبه حق بر باطل سهل و آسان است (*إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذْ أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ، كُنْ فَيَكُونُ*)^{۶۴} (این است و جز این نیست امر اوست هرگاه اراده کند چیزی را، که بگوید برای او باش پس می باشد).

دیر زمانی نیست که قبر شیخ صدوق در ری باز شد و بدن تازه او نمایان گشت، و روشن شد که قانون طبیعت در مورد پیکر او استثنا خورده، و عوامل فساد از تأثیر در اندراس بدن او عقیم گشته است، اگر عموم قانون طبیعت در مورد شخصی که به دعای امام زمان (علیه السلام) به دنیا آمده، و کتابی به عنوان کمال الدین و تمام النعمه به نام آن حضرت نوشته تخصیص بخورد، تخصیص آن در مورد خلیفه خدا و وارث جمیع انبیا و اوصیا تعجب ندارد.

غیبت حضرت مهدی (علیه السلام)

غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، و طولانی بودن غیبت آن حضرت و احوال شیعیان در آن زمان در روایات متعدد به عناوین مختلف از ائمه (علیهم السلام) آمده است، که ذکر آنها در این مختصر نمی گنجد. وبه بعضی اشاره می شود:

- ۱ - از حضرت علی (علیه السلام) نقل شده که فرمود: «برای قائم از ما غیبتی است که آخر آن طولانی است...»^{۶۵}
- ۲ - از حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) نقل شده که فرمود: «آیا نمیدانید: که هیچیک از ما نیست مگر اینکه در گردن او بیعتی برای طاغی زمانش باشد، الا قائمی، که روح الله عیسی بن مریم پشت سر او نماز می خواند، پس همانا خداوند عزوجل مخفی می نماید ولادت او را، و غایب می کند شخص او را تا اینکه بیعت احدی در گردن او نباشد...»^{۶۶}

۶۴ . سوره یس، آیه ۸۲ .

۶۵ . کمال الدین و تمام النعمه ص ۳۰۳ .

۶۶ . کمال الدین و تمام النعمه ص ۳۱۶ .

۳ - از امام حسین (علیه السلام) منقول است که فرمود: قائم این امت نهمین فرزند من است، و او صاحب غیبت است...^{۶۷}

۴ - از حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) نقل شده که فرمود: همانا برای قائم از ما دو غیبت است، یکی طولانی تر از دیگری...^{۶۸}

۵ - حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) در جواب از آیه شریف (فَلَا أُفْسِمُ بِالْخَنَّسِ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ) فرمود: این مولود در آخر زمان است، او مهدی از این عترت است و برای او حیرت و غیبتی است، که گروهی در آن گمراه و گروهی هدایت شوند.^{۶۹}

۶ - از حضرت امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: همانا برای قائم از ما غیبتی است که آخر آن طولانی است...^{۷۰}

۷ - حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) در جواب سؤال از قول خداوند عزوجل (وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَةً ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً) فرمود:

نعمت ظاهره و آشکار امام ظاهر، و نعمت باطنه و پنهان امام غائب است. پرسید: آیا در ائمه کسی غائب می شود. فرمود: بله، شخص او از چشم مردم پنهان می شود، ولی ذکر و یاد او از قلوب مؤمنین پنهان نشود، و او دوازدهم از ما است...^{۷۱}

۸ - از امام هشتم (علیه السلام) نقل شده که فرمود: لابد است از وجود حدوث فتنه شدیدی، [یعنی غیبت قائم (علیه السلام)] که همه خواص و اهل سریره بر آن فتنه مبتلا شوند، و این در وقتی است که شیعه ما امام سوم از اولاد من را، یعنی امام حسن عسکری (علیه السلام) را از دست بدهند که همه اهل آسمان و اهل زمین و هر مرد و زن دلسوخته و حزین به او می گیرند.^{۷۲}

۹ - عبدالعظیم حسنی بر حضرت امام جواد (علیه السلام) وارد شد و می خواست از قائم سؤال کند که آیا او مهدی است یا غیر او، حضرت جواد (علیه السلام) قبل از سؤال او فرمود: با ابالقاسم همانا قائم از ما، مهدی است، که باید در زمان غیبتش انتظار او را بکشید، و در زمان ظهورش اطاعت او را بنمایند...^{۷۳}

۱۰ - از امام دهم حضرت امام علی النقی (علیه السلام) است که فرمود جانشین بعد از من پسر من حسن است، آیا

حال شما با جانشین بعد او چگونه است، راوی عرض کرد: فدای تو شوم از چه رو؟

۶۷ . کمال الدین و تمام النعمه ص ۳۱۷.

۶۸ . کمال الدین و تمام النعمه ص ۳۲۳.

۶۹ . کمال الدین و تمام النعمه ص ۳۳۰.

۷۰ . علل الشرایع ص ۲۴۵.

۷۱ . کمال الدین و تمام النعمه ص ۳۶۸.

۷۲ . کمال الدین و تمام النعمه ص ۳۷۰.

۷۳ . کمال الدین و تمام النعمه ص ۳۷۷.

فرمود: زیرا همانا شما شخص او را نمی بینید، و بر شما ذکرنام او حلال نیست، عرض کرد، پس چگونه او را یاد کنیم؟

فرمود بگوئید: حجة از آل محمد(صلی الله علیه وآله).^{۷۴}

۱۱ - از امام حسن عسکری(علیه السلام) نقل شده است که فرمود: حمد خدای را که مرا از دنیا خارج نکرده تا اینکه جانشین بعد از مرا، به من نشان داد، او شبیه ترین مردم به رسول الله(صلی الله علیه وآله) از جهت خلقت و خلق است، و خداوند تبارک و تعالی او را در غیبتش حفظ می کند، پس او را ظاهر می نماید، و زمین را پر از عدل و قسط خواهد نمود، آنچنانکه از جور و ظلم پر شده باشد.^{۷۵}

※

همانطور که از بعضی روایات استفاده می شود برای آن حضرت دو غیبت است.

اول غیبت صغری: که مقصود غیبت آن حضرت از زمان به امامت رسیدن یعنی سال ۲۶۰ هجری تا حدود ۷۰ سال می باشد، که در این مدت چهار نفر معروف به نواب اربعه از طرف حضرت وکالت داشتند، و واسطه بین مردم و حضرت بودند. و این چهار نفر به ترتیب عبارتند از:

- ۱ - ابوعمرو عثمان بن سعید العمری و مدت نیابت او حدود ۵ سال بوده است.
- ۲ - ابوجعفر محمد بن عثمان العمری و مدت نیابت او حدود ۴۰ سال بوده است.
- ۳ - ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی که مدت نیابت او حدود ۲۳ سال بوده است
- ۴ - ابولحسن علی بن محمد سمری که مدت نیابت او ۳ سال بوده است، و در شعبان سال ۳۲۹ هجری قمری وفات یافته است. و چند روز قبل از وفات او این توقیع از جانب آن حضرت برایش ارسال شد:

(بسم الله الرحمن الرحيم يا علي بن محمد السمری اعظم الله اجر اخوانك فيك فانك ميت ما بينك و بين ستة ايام، فاجمع امرک ولا توص الی أحد، فيقوم مقامک بعد وفاتک فقد وقعت الغيبة التامة فلا ظهور الا بعد اذن الله تعالى ذكره و ذلك بعد طول الامد وقسوة القلب وامتلاء الارض جوراً...)^{۷۶}

(بسم الله الرحمن الرحيم ای علی بن محمد سمری خداوند در مرگ تو به برادرانت پاداش فراوان عطا فرماید، همانا تو تا شش روز دیگر خواهی مرد، پس به کارهای خود رسیدگی کن، و به کسی به عنوان جانشین خود وصیت ننما، که غیبت کامل واقع شده است، و ظهور نیست مگر بعد از اذن پروردگار که بزرگ است ذکر او، و این بعد از گذشت زمان طولانی، و سنگدل شدن مردم، و پر شدن زمین از ستم خواهد بود.)

دوم غیبت کبری: که پس از زمان غیبت صغری آغاز شده و تاکنون ادامه دارد.

معجزات حضرت مهدی (علیه السلام) در زمان غیبت

۷۴ . کمال الدین و تمام النعمة ص ۳۸۱.

۷۵ . کمال الدین و تمام النعمة ص ۴۰۹.

۷۶ . کمال الدین و تمام النعمة ص ۵۱۶.

شیخ الطایفه در کتاب الغیبه می گوید: «و اما ظهور معجزاتی که دلالت بر صحت امامت او در زمان غیبت دارد بیشتر از آن است که احصا شود»،^{۷۷} اگر عدد معجزات تا زمان شیخ - که در سنه ۴۶۰ هجری وفات نموده است - بیش از حد احصا باشد، تا زمان ما چه اندازه خواهد بود؟ ولی در این مختصر به یک آیت که از مشهورات است اکتفا می شود، و خلاصه آن به نقل علی بن عیسیٰ اربلی^{۷۸} که عندالفریقین ثقه است، این است که «مردمان برای امام مهدی قصص و اخباری را در خوارق عادات نقل می کنند که شرح آنها طولانی است و من دو قصه که قریب به عهد زمان خودم اتفاق افتاده و جماعتی از ثقات اخوانم نقل کرده اند ذکر می کنم:

۱ - در نواحی حله شخصی بود که او را اسماعیل بن حسن هرقلی می نامیدند، و از اهل قریه ای بود به نام هرقل، و او در زمان من وفات یافت، و من او را ندیدم، ولی پسرش شمس الدین برای من نقل نمود که پدرم برای من اینچنین گفت: در ایام جوانی در ران چپم جراحی به بزرگی کف دست انسانی پیدا شد، و در هر فصل بهار شکافته شده و از آن خون و چرک بیرون می آمد، و درد آن مرا از بسیاری از کارهایم باز می داشت، و در آن روزگار در هرقل بودم، روزی به حله آمدم و به مجلس رضی الدین علی بن طاووس داخل شدم، و از جراحی خود به او شکایت نمودم، و گفتم که می خواهم آن را معالجه کنم، او پزشکان حله را فراخواند، و جراحی را به آنان نشان داد، گفتند: این جراحی بالای رگ اکحل است، و معالجه آن خطرناک است، که اگر آن را قطع کنیم، ترس آن است که رگ بریده شود و بمیرد. علی بن طاووس گفت: من به بغداد می روم، بسا باشد که پزشکان آنجا دانایتر و حاذقتر باشند، و تو با من بیا.

با او به بغداد رفتم، پزشکان را حاضر نمود، ایشان همان کلام پزشکان حله را گفتند.

از شنیدن این سخن دلتنگ شدم، آنگاه علی بن طاووس به من گفت: شریعت برای تو وسعت داده است، با همین لباسها نماز گزار و در حفظ خود از خون آن سعی نما، و خودت را به مشقت و سختی مینداز، که خدا و رسول خدا از آن نهی فرموده اند.

به علی بن طاووس گفتم: حال که چنین شد، و من هم که به بغداد آمده ام، پس برای زیارت عسکریین (علیهما السلام) به سرمن رأی بروم، و از آنجا به خانه خود بروم گشت.

علی بن طاووس این نظر پسندید، و من لباس و خرجی اضافی که داشتم نزد او گذاشتم، و به سوی سرمن رأی روانه گشتم.

وقتی رسیدم داخل حرم شدم، و زیارت نمودم، سپس داخل سرداب شده و به خدا و امام زمان (علیه السلام) استغاثه نمودم، و تا پاسی از شب را در آنجا گذراندم، و تا روز پنجشنبه در سرمن رأی ماندم، بعد به دجله رفتم و غسل نموده جامه پاکیزه پوشیدم، و ابریقی را که با من بود پر کرده بیرون آمدم؛ می خواستم به حرم مشرف شوم، که چهار سوار دیدم از دروازه سر من رأی بیرون می آیند، و در اطراف شهر جماعتی بودند که گوسفندان خود را می چرانیدند، و من گمان کردم آن سواران از آن جماعتند، وقتی به ایشان رسیدم دو جوان در میان آنان

۷۷. الغیبه شیخ طوسی، صفحه ۲۸۱.

۷۸. کشف الغمه، جلد ۳، صفحه ۲۹۶.

دیدم، که یکی از ایشان غلام نوحطی و رعنائی بود، و هر یک از آن چهار نفر شمشیری حمایل نموده بود، و یکی دیگر از ایشان پیر مرد نقابداری بود و در دستش نیزه ای داشت، و چهارمی شمشیری حمایل کرده بود و فرجیه (لباسی همانند قبا) رنگارنگی از بالای شمشیر پوشیده بود، و آویزه آن را تحت الحنک قرار داده بود.

پس آن پیر مرد دارای نیزه در سمت راست راه ایستاد، و سر نیزه را بر زمین گذاشت، و دو جوان از سمت چپ راه ایستادند، و آن که دارای فرجیه بود در مقابل من ایستاد، پس بر من سلام نمودند، و جواب ایشان را دادم.

صاحب فرجیه به من فرمود: آیا فردا به نزد اهل و عیال خود خواهی رفت؟ عرض کردم: آری. فرمود: پیش بیا تا بینم چیزی را که تو را به درد می آورد.

من ناخوش داشتم که به بدنم دست بزنند، زیرا چنین خیال نمودم که ایشان از اهل بادیه اند، و از نجاسات پرهیز ندارند، و من هم از توی آب تازه درآمدم و لباسهایم هنوز تر است.

بعد با این وجود پیش وی رفتم، پس دست مرا بگرفت و بسوی خود کشید، سپس به دست خود بدن مرا از دوشم لمس کرده تا این که به جراحت رسید، آن را به نوعی فشار داد که به درد آورد، بعد بر زین اسبش جای گرفت چنان که پیشتر بود.

در آن حال پیر مرد به من گفت: یا اسماعیل رستگار شدی. از این که نام مرا شناخت متعجب شدم، و گفتم: ما و شما همه رستگار شدیم.

پس پیر مرد به من گفت: این امام است. پس به پیش او رفته و پایش را بوسیدم، سپس اسب خود را راند، و من هم در رکابش می رفتم، فرمود: برگرد. عرض کردم: از تو هرگز جدا نمی شوم. فرمود: مصلحت در این است که برگردی. باز گفتم: از تو جدا نمی شوم. در آن حال پیر مرد گفت: یا اسماعیل حیا نمی کنی! امام دو بار به تو می فرماید برگرد، و تو مخالفت می کنی.

پس مرا با این سخن درشت منع کرده و ایستادم، چند گامی رفت، پس به من التفات کرده، و فرمود: وقتی به بغداد رسیدی ابو جعفر مستنصر، خلیفه، تو را می طلبد، وقتی پیش او حاضر شدی و به تو چیزی داد، آن را قبول مکنی، و به پسر ما رضی بگو که: برای تو به علی بن عوض بنویسد، همانا من به او می رسانم که هر چه خواهی به تو بدهد.

سپس با اصحاب خود رفت، من هم همینطور به آنان چشم دوخته بودم، تا این که از من پنهان شدند، و تأسفی برای من از جدایی آنان پیدا شد، ساعتی بر زمین نشستم، بعد به حرم رفتم، خدام دور من جمع شدند و گفتند: چهره تو را دگرگون می بینیم، آیا چیزی تو را به درد آورده است؟ گفتم: نه. گفتند: آیا کسی با تو جنگیده است؟ گفتم: نه، اینها نبوده است، لیکن می پرسم آیا آن سواران که نزد شما بودند شناختید؟

گفتند: آنان افراد شریفی هستند که گوسفند دارند. گفتم: خیر، بلکه امام و اصحاب او بود. گفتند: پیر مرد امام بود یا صاحب فرجیه؟ گفتم: صاحب فرجیه. گفتند: آیا آن جراحت را به او نشان دادی؟ گفتم: او به دستش آن را بگرفت و فشار داد بطوری که به درد آمد.

سپس پای خود را از زیر لباس بیرون کردم، پس هیچ نشانه‌ای از آن مرض ندیدم، و در آن حال از بسیاری دهشت، شک نمودم در این که جراحی در کدام پای من بود، پس پای دیگر خود را بیرون آوردم، و در آن هم هیچ چیز ندیدم، در این حال مردم بر سر من ریختند و پیراهن من را به جهت تبرک پاره نمودند، خدام مرا داخل خزانه نمودند و مردم را از من بازداشتند.

در آن هنگام ناظری (مأمور حکومت) که بین دو نهر موکل بر امور حرم بود، ضجه و صدای مردم را شنید، و از سبب آن پرسید، به او خبر دادند، به خزانه آمد و از نام من و مدتی که از بغداد خارج شدم پرسید، به او گفتم: اوّل هفته خارج شدم، و سپس برفت.

شب را در مشهد شریف بسر بردم، و نماز صبح را بجا آوردم، و بیرون شدم، و مردم نیز با من بیرون آمدند تا این که از آنان دور شدم، و ایشان برگشتند، من رفتم تا به اوانا رسیدم، شب را در آنجا گذراندم، و صبح زود روانه بغداد شدم، وقتی به پل قدیم رسیدم، دیدم مردم آنجا ازدحام نموده، و از هر کس که وارد می‌شود، اسم او را پرسیده و این که از کجا می‌آید؟

از نام من و از محل حرکت من پرسیدند، و من پاسخ دادم، پس بر سر من ریخته و لباسهایم را پاره نمودند، به گونه‌ای که بسیار خسته و بی حال شدم، و ناظر بین دو نهر آنجا این قضایا را به بغداد نوشت.

بعد مرا به بغداد بردند، و در آنجا مردم بسیار بر من ازدحام نمودند به گونه‌ای که نزدیک بود هلاکم کنند، و وزیر خلیفه که از اهل قم بود از علی بن طاووس خواست که قضیه را تحقیق نموده به او خبر دهد.

علی بن طاووس با جماعتی بیرون آمد، و در باب النبوی به هم رسیدیم، اصحاب او مردم را از من دور نمودند، از من پرسید که آیا این خبر را از تو حکایت می‌کنند؟ گفتم: آری. از مرکب خود پیاده شد و ران مرا بیرون نموده، و اثری از آن جراحی ندید، پس افتاده ساعتی غش کرد، بعد از آن که به خود آمد، دست مرا گرفت و گریه کنان پیش وزیر برد، و به او گفت: این برادر و نزدیکترین مردم به قلب من است.

وزیر قصه را از من پرسید، حکایت نمودم، وزیر پزشکی را که آن جراحی را دیده بودند احضار کرد، و گفت: آن جراحی را که دیده بودید، معالجه و مداوا کنید، گفتند: جز بریدنش به آهن معالجه‌ای ندارد، و اگر بریده شود خواهد مرد، وزیر گفت: بر فرض این که بریده شود و نمیرد، چه مدت طول می‌کشد تا خوب شود؟ گفتند: دو ماه، ولی در جای آن گوده‌ای سفید باقی مانده و در آن محل مو نمی‌روید. وزیر از ایشان پرسید: شما آن جراحی را کی دیده‌اید؟ گفتند: ده روز پیش. پس وزیر ران مرا بیرون آورد که همانند ران دیگرم بوده، و اصلاً در آن جراحی نیست، یکی از اطبا فریاد زد: این کار مسیح است. وزیر گفت: وقتی این کار کار شما نشد، ما می‌دانیم کار کیست.

سپس مرا پیش خلیفه مستنصر بردند، و او از قصه پرسید، و من چنان که گذشته بود بیان نمودم، خلیفه امر نمود برابم هزار دینار آوردند، گفت: اینها را بگیر و صرف زندگی خود کن، گفتم: جرأت گرفتن یک حبه از آن را ندارم. خلیفه گفت: از که می‌ترسی؟ گفتم: از همان کس که اینچنین بامن نمود، او به من گفت: از ابو جعفر چیزی مگیر. آنگاه خلیفه گریست و مکدر شد، پس از او چیزی قبول ننموده بیرون آمدم.

فقیرترین بندگان خدا به رحمت او علی بن عیسی گوید: روزی این قصه برای جماعتی که نزد من بودند نقل می کردم، و شمس الدین پسر اسماعیل هرقلی در بین آنان بود، و من او را نمی شناختم، وقتی قصه را به آخر رساندم، گفت: من پسر اویم. از این حسن اتفاق تعجب نمودم، و از او پرسیدم: آیا ران پدر خود در حالی که مریض بود دیده بودی؟ گفت: نه، چون در آن اوقات طفل بودم، ولی بعد از بهبودی دیده بودم و اثری در جای آن نبود، و بر آنجا مو روییده بود.

✱

انتظار فرج

نسبت به انتظار فرج و آثار و خصوصیات آن در روایات بسیار تأکید شده است، که به بعضی از آنها اشاره می کنیم:

- ۱ - افضل - با فضیلت ترین - عبادت انتظار فرج است ^{۷۹}.
 - ۲ - افضل اعمال شیعه ما انتظار فرج است ^{۸۰}.
 - ۳ - افضل اعمال امت من انتظار فرج از خداوند عزوجل است ^{۸۱}.
 - ۴ - چه نیکو است صبر و انتظار فرج ^{۸۲}.
 - ۵ - افضل جهاد امت من انتظار فرج است ^{۸۳}.
 - ۶ - از امام رضا(علیه السلام) سؤال از فرج شد، فرمود: همانا خداوند عزوجل می فرماید: * انتظار بکشید همانا من هم با شما از منتظرین هستم ^{۸۴}.
- و در روایت مستدرک الوسائل مقصود از انتظار فرج به روشنی بیان شده است،... از رسول خدا(صلی الله علیه وآله) نقل شده است که فرمود: افضل اعمال امت من انتظار فرج است، و شیعه ما در غم و حزن و اندوه خواهند بود، تا فرزندم که پیغمبر به او بشارت داده است که زمین را پر از قسط و عدل می کند، آنطور که پر از ظلم و جور شده باشد، ظاهر شود ^{۸۵}.

فضیلت شیعه در عصر غیبت

-
- ۷۹ . کمال الدین و تمام النعمه ص ۲۸۷ سنن ترمذی ۵/۲۲۵.
 - ۸۰ . کمال الدین و تمام النعمه ص ۳۷۷.
 - ۸۱ . کمال الدین و تمام النعمه ص ۶۴۴.
 - ۸۲ . کمال الدین و تمام النعمه ص ۶۴۵.
 - ۸۳ . تحف العقول از کلمات حضرت رسول(صلی الله علیه وآله).
 - ۸۴ . کمال الدین و تمام النعمه ص ۴۶۵.
 - ۸۵ . مستدرک الوسائل ۳/۲۷۷ مناقب آل ابی طالب ۳/۵۳۷.

فضائل بسیاری برای شیعیانی که در عصر غیبت حافظ ولایت باشند، و به دستورات دین عمل نمایند ذکر شده است، که به بعضی از آنها اشاره می شود:

۱ - از امام زین العابدین (علیه السلام) نقل شده است: هر کس بر موالات ما (بر ولایت ما) در عصر غیبت قائم ما، ثابت باشد، خداوند عزوجل اجر هزار شهید از شهدای بدر و احد را به او داده است.^{۸۶}

۲ - از حضرت صادق (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: طوبی برای کسی که در غیبت قائم ما، به امر ما تمسک کند، پس قلب او بعد از هدایت منحرف نشود. عرض کردم، فدایت شوم طوبی چیست؟ فرمود: درختی است در بهشت، که اصل و ریشه آن در خانه علی بن ابی طالب (علیه السلام) است، و نیست مؤمنی مگر اینکه در خانه او شاخه ای از شاخه های آن درخت باشد، و این گفته خداوند عزوجل است که فرمود: طوبی لهم و حسن مآب.^{۸۷}

۳ - از حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) نقل شده که فرمود: طوبی برای شیعه ما، که متمسک - و چنگ زنده - به ریسمان ما در زمان غیبت قائم ما هستند، ثابتند بر موالات و دوستی ما، و برائت و دوری از دشمنان ما، آنان از ما، و ما از آنان هستیم، همانا آنان راضی شدند که ما ائمه و امامان آنها باشیم، و ما راضی شدیم که آنان شیعیان ما باشند، پس طوبی برای آنان، پس طوبی برای آنان، آنان - به خدا قسم - روز قیامت در درجات ما هستند.^{۸۸}

دعا در تعجیل فرج آن حضرت

در توقیع شریف آن حضرت به اسحاق بن یعقوب آمده است: (...أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ، فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجَكُمْ...)^{۸۹} (... برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید که همان فرج شما است...)

راه بهره مند شدن از آن حضرت

در زمان غیبت

هر چند امام زمان (علیه السلام) غایب از انظار است، و این غیبت موجب محروم شدن امت از قسمتی از برکات وجود آن حضرت است که متوقف بر ظهور است، ولی قسمتی از فیوضات وابسته به ظهور نیست. او همچون آفتابی است که ابر غیبت نمی تواند مانع تأثیر اشعه وجود او در قلوب پاکیزه شود، مانند اشعه خورشید که در اعماق زمین جواهر نفیسه را می پروراند، و حجاب ضخیم سنگ و خاک مانع استفاده آن گوهر از آفتاب نمی شود.

۸۶ . کمال الدین و تمام النعمه ص ۳۵۸.

۸۷ . کمال الدین و تمام النعمه ص ۳۵۸.

۸۸ . کمال الدین و تمام النعمه ص ۳۶۱.

۸۹ . کمال الدین و تمام النعمه ص ۴۸۵.

و چنان که بهره مند شدن از الطاف خاصه خداوند به دو طریق میسر است:

اول جهاد فی الله: به تصفیه نفس از کدورت‌هایی که مانع از انعکاس نور عنایت اوست.

دوم اضطرار: که رافع حجاب بین فطرت و مبدأ فیض است (**أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ**

السُّوءَ)^{۹۰} (آیا کیست که اجابت می کند مضطر را زمانی که او را بخواند، و بر طرف می کند سوء را) همچنین

استفاده از واسطه فیض خدا که اسم اعظم و مثل اعلاّی اوست به دو طریق است:

اول به تزکیه فکری و خلقی و عملی که (**أما تعلم أن أمرنا هذا لا ينال إلا بالورع**)^{۹۱} (آیا نمی دانی که هر

آینه امر ما نیل نمی شود مگر به ورع).

دوم به انقطاع از اسباب مادی و اضطرار، و از این طریق بسیار کسانی که بیچاره شدند، و کارد به استخوان آنها

رسید، و به آن حضرت استغاثه کردند و نتیجه گرفتند.

در عصر غیبت که ایام احتجاب آن آفتاب عالمتاب است، و استفاده از آن حضرت مانند استضاءه از خورشید از

وراء سحاب است، باید افتتاح مجالس و محافل به زیارت « **سلامّ علی آل یس** » باشد، که از ناحیه مقدسه امر

شده: که هرگاه خواستید توجه کنید به وسیله ما به خداوند متعال و به سوی ما، بگوئید چنانکه خدای تعالی

فرموده است: « **سلام علی آل یس ...** »^{۹۲}

و هر روز بعد از نماز صبح دعای عهد که تجدید با ولیّ امر است، خوانده شود، که خواننده آن از انصار آن

حضرت است، و این دعا از امام صادق (علیه السلام) نقل شده،^{۹۳} و مشتمل بر مضامین عالیّه ای است که مجال

شرح آن نیست.

در این دعای شریف اسم مبارک « **حیّ و قیوم** » است، که (**وَعَنْتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ**)^{۹۴} دلیل بر عظمت

این اسم است، و در این دعا از خداوند متعال سؤال می شود، به اسمی که اولین و آخرین به آن اسم به صلاح نایل

می شوند، و به اسمی که آسمانها و زمین به آن روشن است (**اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ**)^{۹۵}.

این دعا مجموعه ای است از اسمای ذات و صفات و افعال خداوند متعال، و جزء اعظم آن اسم مقدّس « **حیّ** »

است، که موجب حیات قلوب است، و ارتباط ولی عصر (علیه السلام) به این اسم از تفسیر (**اغْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَخِي**

الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا)^{۹۶} به ظهور آن حضرت روشن می شود و جمله (**أَخِي بِهِ عِبَادَكَ ...**) در این دعا بیانگر این

رابطه است.

۹۰. سوره نمل، آیه ۶۲.

۹۱. بصائر الدرجات الجزء الخامس ۲۶۳ باب ۱۱ ح ۲، دلائل الامامة ص ۲۵۴، الخرائج و الجرائح ج ۲ ص ۲۷۸، بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۷۱

۹۲. الاحتجاج، ج ۲: ص ۳۱۵.

۹۳. المزار مشهدی، ص ۶۶۲.

۹۴. سوره طه، آیه ۱۱۱.

۹۵. سوره نور، آیه ۳۵.

۹۶. سوره حدید، آیه ۱۷.

و ابتدای دعا به « اللهم رب النور العظيم » است که ارتباط امام زمان (علیه السلام) به این اسم از تفسیر (وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا)^{۹۷} و (يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ)^{۹۸} استفاده می شود .

و بعد از هر نماز (اَللّٰهُمَّ كُنْ لِيْوَلِيَّكَ الْحَجَّةُ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى اَبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيْلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ اَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيْهَا طَوِيْلًا)^{۹۹} خوانده شود ، که نمازگزار را به توکل به کسی که هستی از اوست هدایت می کند ، و به توسل به کسی که هستی وابسته به وجود او است نائل می نماید ، (وَبِيْمْنِهِ رِزْقَ الْوَرَى وَبُجُوْدِهِ تَبَّتْ اِلْاَرْضُ وَالسَّمَاءُ) ، سعادت دنیا و آخرت در گرو این توکل و توسل است .

در خاتمه به قصور و تقصیر نسبت به ساحت قدس آن حضرت اعتراف می کنیم، او کسی است که خدا به او نور خود را، و به وجود او کلمه خود را تمام کرده است، و او کسی است که کمال دین به امامت و کمال امامت به اوست. خداوند متعال در قرآن می فرماید : « اوست که خورشید را روشنایی و ماه را نور قرار داده است »^{۱۰۰} و در وجود حضرت مهدی (علیه السلام) خورشید و ماه هر دو جمعند ، و چه بسیار تفاوت است بین خورشید آسمان دنیا و ماه آن ، و بین خورشید آسمان ملاء اعلی و ماه آن .

تفاوت این است : خورشید و ماه ، روشنایی و نور است ، ولی حضرت مهدی (علیه السلام) ، نور فروزان خداوند است ، روشنایی پرتوافکن خداوند است ، و تأویل آیه شریفه (وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا)^{۱۰۱} (و درخشید زمین به نور پروردگارش) ظهور آن حضرت است.

اگر دیده تاب دیدن آفتاب آسمان را که به فرمان خدا روشن است، ندارد چگونه بینش انسان می تواند حقیقت خورشید وجود را که به نور خدا منور است، ادراک کند؟! آری قلم از شرح توانائی سیف اللّٰهی که مظهر قدرت لایزال است عاجز، و زبان از بیان دانائی انسانی که نورالله همیشه روشن است، الکن است.

*

سزاوار است که در شب نیمه شعبان که ثانی اثنین لیلۃ القدر است، و مطلع الفجر صبح امید انبیاء و مرسلین و ائمه معصومین و جمیع شهدا و صدیقین و عبادالله الصالحین است، عموم مؤمنین بعد از نماز مغرب و عشاء دست به دعا بردارند، و از خداوند متعال ظهور قطب عالم امکان ولی العصر والزمان را که تجلای اسماء حسناى حق تعالی است، بخواهند، و با استغاثه به آن حضرت با فریاد « یا صاحب الزمان » با مولا و صاحب خود تجدید عهد نمایند، که با اجماع امت در دعا به درگاه خدا، و استغاثه به ولی خدا، دستهای پاکیزه از خیانت و جنایت و زبانهای مزین به ذکر و صداقت ضمیمه می شود، و تبعیض در جود و

۹۷ . سوره زمر ، آیه ۶۹ .

۹۸ . سوره نور ، آیه ۳۵ .

۹۹ . مصباح المتهجد ، ص ۶۳۰ ، کافی ، ج ۴ : ص ۱۶۲ .

۱۰۰ . سوره یونس : ۵ .

۱۰۱ . سوره زمر، آیه ۶۹ .

عطا، و پذیرفتن جمعی و راندن دیگران از خوان کرم و سخا، نه شایسته آن ارحم الراحمین و اکرم الاکرمین است، و نه سزاوار آن وارث مکارم خاتم النبیین و رحمة للعالمین است.

انتخاب شب نیمه شعبان برای این استغاثه به درگاه خداوند متعال و توسل به ذیل عنایت شریک القرآن ولی العصر و صاحب الزمان به الهام از این دعای عظیم الشأن است که شیخ الطائفه نقل فرموده اند :

اللَّهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَمَوْلُودِهَا وَحُجَّتِكَ وَمَوْعُودِهَا الَّتِي قَرَنْتَ إِلَىٰ فَضْلِهَا فَضْلًا فَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِكَ وَلَا مُعَقَّبَ لِيَاثِكَ نُورُكَ الْمُتَأَلَّقُ وَضِيَاؤُكَ الْمُسْرِقُ وَالْعَلَمُ النُّورُ فِي طَخْيَاءِ الدِّيَجُورِ الْغَائِبِ الْمَسْتُورِ جَلَّ مَوْلِدُهُ وَكَرَّمَ مَحْتِدُهُ وَالْمَلَائِكَةُ شَهِدَةُ وَاللَّهُ ناصِرُهُ وَمُؤَيِّدُهُ إِذَا أَنْ مِيعَادُهُ وَالْمَلَائِكَةُ أَمْدَادُهُ سَيْفُ اللَّهِ الَّذِي لَا يَنْبُؤُ وَنُورُهُ الَّذِي لَا يَخْبُؤُ وَذُو الْجِلْمِ الَّذِي لَا يَصْبُؤُ مَدَارُ الدَّهْرِ وَنَوَامِيسُ الْعَصْرِ وَوَلَاةُ الْأَمْرِ وَالْمَنْزَلُ عَلَيْهِمْ مَا يَنْزَلُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَأَصْحَابُ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ تَرَاجِمُهُ وَحِيَهُ وَوَلَاةُ أَمْرِهِ وَتَرْهِيهِ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَىٰ خَاتِمِهِمْ وَقَائِمِهِمُ الْمَسْتُورِ عَنْ عَوَالِمِهِمُ اللَّهُمَّ وَأَذْرِكْ بِنَا أَيَّامَهُ وَظُهُورَهُ وَقِيَامَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ وَاقْرِنْ ثَارَنَا بِثَارِهِ وَاكْتُبْنَا فِي أَغْوَانِهِ وَخُلَصَائِهِ وَأَحِينَا فِي دَوْلَتِهِ نَاعِمِينَ وَبِصُحْبَتِهِ غَانِمِينَ وَبِحَقِّهِ قَائِمِينَ وَمِنَ السُّوءِ سَالِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَوَاتُهُ عَلَىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ الصَّادِقِينَ وَعَنْزِيَةِ النَّاطِقِينَ وَالْعَنْ جَمِيعَ الظَّالِمِينَ وَاحْكُمْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ.^{۱۰۲}

*

سروده ای به یاد آخرین خلیفه پروردگار

برای ای آفتاب برج توحید*** در آر از ابرِ غیبت قرصِ خورشید
 الا ای مطلع الشمس هدایت*** جهان تا کی گرفتارِ ظلالت
 تمام انبیاء در انتظارند*** به عدل و داد تو امیدوارند
 توئی آن کوکبِ درّی در آفاق*** که نورِ الرّب کند بر ارض اشراق
 تو هستی قائم بالحقّ من الحقّ*** تو هستی علم محض و عدل مطلق
 تو هستی مهدی هادی الی الله*** ز سرّ مستسرّ غیب آگاه
 به تو شد ختم طومار امامت*** قیام تو کند بر پا قیامت
 بتابد آیه نور از جبینت*** درآید دست حق از آستینت
 ظهورت مظهر اسماء حسنی*** جمالت جلوه امثال علیا
 کمال اهل عالم در تو شد جمع*** جهان پروانه و رخسار تو شمع
 برون آئی اگر از پرده غیب*** شود ظاهر کتاب الله بلا ریب
 هرآن چه داشت آدم تا به خاتم*** نمایان گردد از آن اسم اعظم
 تو موعود خدا اندر زبوری*** ضیاء مشرقِ الله نوری
 مبارک بر تو باد این تاج اقبال*** خطابِ سیدی! از صادق آل
 کند موسی تمنای مقامت*** مسیحا، جان یکف اندر سپاهت
 امین وحی باشد در رکابت*** بود اعلی زهر عالی جنابت
 شود پیرِ زمانه هر جوانی*** زمان شد پیر و اما تو جوانی
 باسم حی، حیات متصل شد*** زمان اینجا رسید و منفعل شد
 تو سلطان زمین و آسمانی*** ولی عصری و صاحب زمانی
 ملائک بر تو نازل در شب قدر*** سلام حق به تو تا مطلع الفجر
 قضا را چون به امضایت رسانند*** بفرمان تو گوش جان سپارند
 توهستی پیشوای اهل عالم*** امام حضرت عیسی بن مریم
 چو دید از نور حق روشن روانت*** خلیل الله شد از شیعیان
 بخلق و خلق چون تو بهترینی*** بحق، طاووس فردوس برینی
 خلافت از خدای حی قیوم*** بنام نامی تو گشت مختوم
 ز صدق و عدل جانت را سرشتند*** «وتمّت» را بنام تو نوشتند

فهرست کتب ذکر شده

- الإحتجاج ، أحمد بن علی الطبرسی، سنة الوفاة: ۵۶۰ هـ. ، المجلدات : ۲ ، الناشر : دارالنعمان - النجف الأشرف
- الإختصاص ، شیخ المفید ، سنة الوفاة: ۴۱۳ هـ. ، المجلدات : ۱ ، الناشر : جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة - قم
- الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد ، الشیخ المفید، سنة الوفاة: ۴۱۳ هـ. ، المجلدات : ۲ ، الناشر : قم ، مؤسسة آل البيت (علیهم السلام)
- الإعتقادات ، الشیخ المفید ، سنة الوفاة: ۴۱۳ هـ. ، الطبعة: الثانية ۱۴۱۴ ، المجلدات : ۱ ، الناشر : دارالمفید - قم
- الإفصاح فی إمامة أمير المؤمنين(علیه السلام) ، الشیخ المفید ، سنة الوفاة: ۴۱۳ هـ. ، الطبعة:الاولی ۱۴۱۲ هـ. ، المجلدات : ۱ ، الناشر : مؤسسة البعثة - قم
- الأمالی ، الشیخ الصدوق ، سنة الوفاة: ۳۱۸ هـ. ، الطبعة: الاولی ۱۴۱۷ هـ. ، المجلدات : ۱ ، الناشر : مؤسسة البعثة - قم
- الأمالی ، الشیخ الطوسی ، سنة الوفاة: ۴۶۰ هـ. ، الطبعة: الاولی ۱۴۱۴ هـ. ، المجلدات : ۱ ، الناشر : دار الثقافة - قم
- الإمامة والتبصرة من الحيرة ، ابن بابويه قمی ، سنة الوفاة: ۳۲۹ هـ. ، المجلدات : ۱ ، الناشر : مدرسة الإمام المهدي (علیه السلام) - قم
- البيان فی أخبار صاحب الزمان (فی آخر كتاب كفاية الطالب) ، محمد بن يوسف الكنجی الشافعی ، سنة الوفاة: ۶۵۸ ، المجلدات : ۱ ، الناشر : دارإحياء تراث أهل البيت (علیهم السلام)
- التبيان فی تفسير القرآن ، أبوجعفر محمد بن الحسن الطوسی ، سنة الوفاة: ۴۶۰ ، الطبعة: الاولی ۱۴۰۹ ، المجلدات : ۱۰ ، الناشر : دارإحياء التراث العربی
- التفسير الكبير ، فخرالدين محمد الرازی ، سنة الوفاة: ۶۰۶ هـ. ، الطبعة: الثالثة ، المجلدات : ۳۲ ، الناشر : دارإحياء التراث العربی
- الجامع الصغير ، جلال الدين السيوطی ، سنة الوفاة: ۹۱۱ هـ. ، الطبعة: الاولی ۱۴۰۱ هـ. ، المجلدات : ۲ ، الناشر : دار الفكر - بيروت
- الجامع لأحكام القرآن (تفسير القرطبي) ، محمد بن أحمد الأنصاری القرطبي ، سنة الوفاة: ۶۷۱ ، الطبعة: ۱۴۰۵ ، المجلدات: ۲۰ ، الناشر: دار احياء التراث العربی - بيروت
- الخرائج والجرائج ، قطب الدين الراوندى ، سنة الوفاة: ۵۷۳ هـ. ، الطبعة: المجلدات : ۳ ، الناشر : مؤسسة الإمام المهدي (علیه السلام) - قم
- الخصال ، الشیخ الصدوق ، سنة الوفاة: ۳۸۱ هـ. ، المجلدات : ۱ ، الناشر : جماعة المدرسين - قم

- الدرّ المنثور ، جلال الدين السيوطى ، سنة الوفاة : ٩١١ هـ . ، الطبعة : الاولى ١٣٦٥ ، المجلدات : ٦ ، الناشر : دار المعرفة
- السنن الكبرى ، احمد بن شعيب النسائي ، سنة الوفاة : ٣٠٣ هـ ، الطبعة : الاولى ١٤١١ هـ ، المجلدات : ٦ ، الناشر : دارالكتب العلمية - لبنان
- الصواعق المحرقة ، احمد بن حجر الهيتمي ، سنة الوفاة : ٩٧٤ هـ . ، المجلدات : ١ ، الناشر : مكتبة القاهرة
- الطرائف فى معرفة مذاهب الطوائف ، على بن موسى بن طاووس ، سنة الوفاة : ٦٦٤ هـ . ، الطبعة : الاولى ١٣٧١ ، المجلدات : ١ ، الناشر : مطبعة الخيام - قم
- العدد القوية لدفع المخاوف اليومية ، العلامة الحلى ، سنة الوفاة : ٧٢٦ هـ . ، الطبعة : الاولى ١٤٠٨ هـ . ، المجلدات : ١ ، الناشر : مكتبة آية الله المرعشى - قم
- العمدة ، ابن البطريق الاسدى الحلى ، سنة الوفاة : ٦٠٠ هـ . ، الطبعة : الاولى - ١٤٠٧ ، المجلدات : ١ ، الناشر : جامعة المدرسين - قم
- الغيبية للطوسى ، محمد بن الحسن طوسى ، سنة الوفاة : ٤٦٠ هـ . ، الطبعة : الاولى ١٤١١ هـ . ، المجلدات : ١ ، الناشر : مؤسسة المعارف الإسلامية - قم
- الفتوحات الإسلامية بعد مضي الفتوحات النبوية ، احمد بن زيني دحلان ، سنة الوفاة : ، الطبعة : ١٣٥٤ هـ . ، المجلدات : ٢ ، الناشر : المكتبة التجارية الكبرى بمصر
- الكافي ، محمد بن يعقوب الكليني ، سنة الوفاة : ٣٢٩ هـ . ، الطبعة : الخامس ، المجلدات : ٨ ، الناشر : دارالكتب الاسلامية
- المستدرک على الصحيحين ، ابو عبدالله الحاكم النيسابورى ، سنة الوفاة : ٤٠٥ هـ . ، الطبعة : ١٤٠٦ ، المجلدات : ٤ ، الناشر : دار المعرفة - بيروت
- المسترشد ، محمد بن جرير الطبرى الإمامى ، سنة الوفاة : القرن الرابع ، الطبعة : الأولى ، المجلدات : ١ ، الناشر : مؤسسة الثقافة الإسلامية لكوشانبور
- المصنّف ، أبو بكر عبدالرزاق ، سنة الوفاة : ٢١١ هـ . ، المجلدات : ١١ ، الناشر : المجلس العلمى
- المعجم الاوسط ، سليمان بن احمد بن ايوب اللخمي ، سنة الوفاة : ٣٦٠ هـ . ، المجلدات : ٩ ، الناشر : دار الحرمين
- المعجم الصغير ، سليمان بن أحمد اللخمي الطبراني ، سنة الوفاة : ٣٦٠ هـ . ، المجلدات : ٢ ، الناشر : دار الكتب العلمية - بيروت
- المعجم الكبير ، سليمان بن أحمد اللخمي الطبراني ، سنة الوفاة : ٣٦٠ هـ . ، الطبعة : الثانية ، المجلدات : ٢٥ ، الناشر : مكتبة ابن تيمية - القاهرة
- المعيار والموازنة ، محمد بن عبدالله المعتزلى ، سنة الوفاة : ٢٢٠ هـ . ، الطبعة : الأولى ١٤٠٢ هـ . ، المجلدات : ١ ، الناشر : مؤسسة المحمودى - بيروت

- إعلام الوری باعلام الهدی ، الفضل بن الحسن الطبرسی ، سنه الوفاء : ۵۴۸ هـ . ، الطبعة : الاولى ۱۴۱۷ هـ . .
المجلدات : ۲ ، الناشر : مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) - قم
- بحار الأنوار ، محمد باقر المجلسی ، سنه الوفاء : ۱۱۱۱ هـ . ، الطبعة : ۱۴۰۳ ، المجلدات : ۱۱۰ ، الناشر : مؤسسة
الوفاء - بيروت
- بصائر الدرجات الكبرى ، محمد بن الحسن بن فروخ الصفار ، سنه الوفاء : ۲۹۰ هـ . ، الطبعة : ۱۳۶۲ ش - ۱۴۰۴
ق ، المجلدات : ۱ ، الناشر : مؤسسة الاعلمی - طهران
- بغیة الباحث عن زوائد مسند الحارث ، نور الدين بن أبي بكر الهيثمي ، سنه الوفاء : ۷۰۷ هـ . ، المجلدات : ۱ ،
الناشر : دار الطلايع
- تاريخ مدينة دمشق ، علي بن الحسن الشافعي ابن عساكر سنه الوفاء ۵۷۱ هـ ، الطبعة : ۱۴۱۵ هـ ، المجلدات : ۷۰ ،
الناشر : دارالفكر - بيروت
- تفسير ابن كثير (تفسير القرآن العظيم) ، اسماعيل بن كثير القرشي الدمشقي ، سنه الوفاء : ۷۷۴ هـ . .
الطبعة : ۱۴۱۲ هـ . ، المجلدات : ۴ ، الناشر : دارالمعرفة - بيروت
- تفسير العياشي ، محمد بن مسعود السلمی السمرقندی ، سنه الوفاء : ۲۲۰ هـ . ، المجلدات : ۲ ، الناشر : المكتبة
العلمية الإسلامية
- تفسير القمي ، أبو الحسن علي بن إبراهيم القمي ، سنه الوفاء : ۳۲۹ هـ ، الطبعة : الثالثة ۱۴۰۴ ، المجلدات : ۲ ،
الناشر : دار الكتاب - قم
- تهذيب التهذيب ، ابن حجر العسقلاني ، سنه الوفاء : ۸۵۲ هـ . ، الطبعة : الأولى ۱۴۰۴ ، المجلدات : ۱۲ ، الناشر :
دارالفكر - بيروت
- خصائص امير المؤمنين (عليه السلام) ، احمد بن شعيب النسائي ، سنه الوفاء : ۳۰۳ هـ . ، المجلدات : ۱ ، الناشر :
مكتبة نينوى الحديثة
- دعائم الإسلام ، نعمان بن محمد التميمي المغربي ، سنه الوفاء : ۳۶۳ هـ . ، الطبعة : ۱۳۸۳ ، المجلدات : ۲ ،
الناشر : دار المعارف
- دلائل الإمامة ، محمد بن جرير بن رستم الطبري ، سنه الوفاء : اوائل القرن الرابع ، الطبعة : الاولى ۱۴۱۳ ،
المجلدات : ۱ ، الناشر : مؤسسة البعثة - قم
- روضه الواعظين ، محمد بن الفتال النيسابوري ، سنه الوفاء : ۵۰۸ هـ . ، المجلدات : ۱ ، الناشر : منشورات الرضى -
قم
- زاد المسير في علم التفسير ، جمال الدين الجوزي القرشي ، سنه الوفاء : ۵۹۷ ، الطبعة : الاولى ۱۴۰۷ ،
المجلدات : ۸ ، الناشر : دار الفكر - بيروت
- سنن ابن ماجه ، محمد بن يزيد القزويني ، سنه الوفاء : ۲۷۵ هـ . ، المجلدات : ۲ ، الناشر : دار الفكر - بيروت

سنن الترمذی ، محمد بن عیسی الترمذی ، سنه الوفاة : ۲۷۹ هـ . ، الطبعة : ۱۴۰۳ ، المجلدات : ۵ ، الناشر : دار الفكر - بیروت

سنن الدارقطنی ، علی بن عمر الدارقطنی ، سنه الوفاة : ۳۸۵ هـ . ، الطبعة : الاولى ۱۴۱۷ هـ . ، المجلدات : ۴ ، الناشر : دارالکتب العلمیة - بیروت

شرح نهج البلاغه ، ابن ابی الحدید ، سنه الوفاة : ۶۵۶ هـ . ، المجلدات : ۲۰ ، الناشر : داراحیاء الکتب العربیة شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی آیات النازلة فی أهل البيت ، عبیدالله بن احمد (الحاکم الحسکانی) ، سنه الوفاة : القرن الخامس ، الطبعة : الأولى ۱۴۱۱ هـ . ، المجلدات : ۲ ، الناشر : وزارة الإرشاد الأسلامی صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان ، علاءالدین علی بن بلبان الفارسی ، سنه الوفاة : ۷۳۹ هـ . ، الطبعة : الثانية ۱۴۱۴ هـ . ، المجلدات : ۱۶ ، الناشر : مؤسسة الرسالة

صحیح البخاری ، محمد بن اسماعیل البخاری ، سنه الوفاة : ۲۵۶ هـ ، الطبعة : ۱۴۰۱ هـ . ، المجلدات : ۸ ، الناشر : دار الفكر - بیروت

صحیح مسلم ، مسلم بن الحجاج النیسابوری ، سنه الوفاة : ۲۶۱ هـ . ، المجلدات : ۸ ، الناشر : دار الفكر - بیروت عقد الدرر ، یوسف بن یحیی المقدسی السلمی ، سنه الوفاة : من علماء القرن السابع ، الطبعة : الأولى ۱۳۹۹ هـ . ، المجلدات : ۱ ، الناشر : مكتبة عالم الفكر - القاهرة

عیون أخبار الرضا(علیه السلام) ، الشیخ الصدوق ، سنه الوفاة : ۳۸۱ هـ . ، المجلدات : ۲ ، الناشر : انتشارات جهان - طهران

فضائل الصحابة ، احمد بن شعيب النَّسائي ، سنه الوفاة : ۳۰۳ هـ . ، المجلدات : ۱ ، الناشر : دار الکتب العلمیة - بیروت

فیض القدير فی شرح الجامع الصغير ، محمد بن الروؤف المناوی ، سنه الوفاة : ۱۳۳۱ هـ . ، الطبعة : الاولى ۱۴۱۵ هـ . ، المجلدات : ۶ ، الناشر : دارالکتب العلمیة - بیروت

کتاب السنة ، عمرو بن ابی عاصم الضحاک الشیبانی ، سنه الوفاة : ۲۸۷ هـ . ، الطبعة : الثالثة ۱۴۱۳ هـ . ، المجلدات : ۱ ، الناشر : المكتبة الإسلامیة - بیروت

کتاب الغیبة ، محمد بن إبراهیم النعمانی ، سنه الوفاة : ۳۸۰ هـ . ، المجلدات : ۱ ، الناشر : مكتبة الصدوق - طهران كشف الغمّة فی معرفة الأئمّة ، علی بن عیسی الاربلی ، سنه الوفاة : ۶۹۳ هـ . ، المجلدات : ۲ ، الناشر : مكتبة ابن هاشمی - تبریز

کفایة الأثر فی النص علی الأئمّة الاثني عشر ، الخزاز القمی الرازی ، سنه الوفاة : ۴۰۰ هـ . ، الطبعة : ۱۴۰۱ هـ . ، المجلدات : ۱ ، الناشر : انتشارات بیدار - قم

کمال الدین وتمام النعمة ، الشیخ الصدوق ، سنه الوفاة : ۳۸۱ هـ . ، الطبعة : ۱۴۰۵ هـ . ، المجلدات : ۱ ، الناشر : جامعة المدرسين - قم

- کنز العمال ، علاء الدین علی المتقی ، سنه الوفاة : ۹۷۵ هـ . ، المجلدات : ۱۶ ، الناشر : مؤسسة الرسالة - لبنان
مجمع البیان فی تفسیر القرآن ، أبو علی الفضل بن الحسن الطبرسی ، سنه الوفاة : ۵۶۰ هـ . ، الطبعة : الاولى
۱۴۱۵ هـ . ، المجلدات : ۱۰ ، الناشر : مؤسسة الاعلمی للمطبوعات - بیروت
- مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ، نور الدین الهیثمی ، سنه الوفاة : ۸۰۷ هـ . ، الطبعة : ۱۴۰۸ هـ . ، المجلدات : ۱۰ ،
الناشر : دار الکتب العلمیة - بیروت
- مسند ابن الجعد ، علی بن الجعد بن عبید الجوهری ، سنه الوفاة : ۲۳۰ هـ . ، المجلدات : ۱ ، الناشر : دار الکتب
العلمیة - بیروت
- مسند الشامیین ، سلیمان بن احمد اللخمی الطبرانی ، سنه الوفاة : ۳۶۰ هـ . ، الطبعة : الثانية ۱۴۱۷ هـ . ،
المجلدات : ۴ ، الناشر : مؤسسة الرسالة - بیروت
- مسند أبی داود الطیالسی ، أبو داود الطیالسی ، سنه الوفاة : ۲۰۴ هـ . ، المجلدات : ۱ ، الناشر : دار الحدیث -
بیروت
- مسند أبی یعلی الموصلی ، أحمد بن علی بن المثنی التمیمی ، سنه الوفاة : ۳۰۷ هـ . ، المجلدات : ۱۳ ، الناشر :
دار المأمون للتراث
- مسند أحمد ، أحمد بن حنبل ، سنه الوفاة : ۲۴۱ هـ . ، المجلدات : ۶ ، الناشر : دار صادر - بیروت
- مصباح المتهدج ، الشیخ الطوسی ، سنه الوفاة : ۴۶۰ هـ . ، الطبعة : الاولى - ۱۴۱۱ ، المجلدات : ۱ ، الناشر : مؤسسة
فقه الشیعة - لبنان
- مصنف ابن أبی شیبہ ، ابن أبی شیبہ الکوفی ، سنه الوفاة : ۲۳۵ هـ . ، الطبعة : الاولى ۱۴۰۹ هـ . ، المجلدات : ۸ ،
الناشر : دارالفکر
- معانی الأخبار ، الشیخ الصدوق ، سنه الوفاة : ۳۸۱ هـ . ، الطبعة : ۱۳۶۱ هـ . ش ، المجلدات : ۱ ، الناشر : جامعة
المدرسیین - قم
- نظم درر السمطین ، جمال الدین محمد الزرندي الحنفی ، سنه الوفاة : ۷۵۰ هـ . ، الطبعة : الأولى ۱۳۷۷ هـ . ،
المجلدات : ۱ ، الناشر : من مخطوطات مكتبة اميرالمؤمنين (عليه السلام)
- نور الأبصار ، مؤمن بن حسن مؤمن الشبلنجی ، سنه الوفاة : كان حياً ۱۳۲۲ ، المجلدات : ۱ ، الناشر : دارالفکر -
بیروت
- وسائل الشیعة ، الحر العاملی ، سنه الوفاة : ۱۱۰۴ هـ . ، الطبعة : الثانية ۱۴۱۴ هـ . ، المجلدات : ۳۰ ، الناشر : مؤسسة
آل البيت لإحياء التراث
- ینابیع المودة لذوی القربی ، سلیمان بن ابراهیم القندوزی الحنفی ، سنه الوفاة : ۱۲۹۴ ، الطبعة : الأولى - ۱۴۱۶ ،
المجلدات : ۳ ، الناشر : دار الاسوة